

تبیین تأثیر اعزام دانشجو به فرانسه و آلمان در انتقال علم و فناوری و ایجاد تغییرات فرهنگی و اجتماعی در ایران

محسن باقری^۱

محمدعلی بصیری^۲

چکیده

در دوران قاجار با افزایش ارتباطات با غرب و به صورت خاص، در نتیجه شکست ایرانیان در جنگ با روسیه به عنوان یک دولت اروپایی، آنها متوجه ضعف‌های درونی خود و عقب ماندگی‌های کشور شدند. در آن زمان، بخش عمده‌ای از نخبگان کشور، علت ضعف را در عقب ماندگی علمی-صنعتی کشور یافته که ریشه آن را بعدها به استبداد داخلی و استعمار خارجی مربوط دانستند. یکی از راه‌های برون رفت از این عقب ماندگی را دستیابی به علوم و فناوری‌های جدید در غرب می‌دانستند. اعزام دانشجو برای کسب علوم، فنون و فناوری جدید، اولین اقدام ایرانیان در این مسیر بود. از این رو، سؤال اصلی مقاله این است که اعزام دانشجو به فرانسه و آلمان چه تأثیری بر سطح علمی ایران و ایجاد تغییر در تفکر و ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی داشته است؟ فرض اصلی آن است که اعزام دانشجو در یک قرن اخیر به فرانسه و آلمان یکی از پایه‌های اصلی انتقال علم و فناوری مدرن به ایران و ایجاد تغییر در تفکر، فرهنگ و ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اعزام دانشجو از دوره قاجار تاکنون به فرانسه و آلمان عامل عمده‌ای در انتقال علم و فناوری، شکل‌گیری مدارس و نهادهای جدید علمی، احداث راه آهن، ورود صنایع جدید، ورود معماری غربی و شهرسازی مدرن و هنر جدید، ورود مفاهیم مدرن و استقرار نهادهای جدید، ظهور روشنفکران، افزایش آگاهی سیاسی و اجتماعی، تغییر در فرهنگ، نظام اداری و قضایی، نهادها و ساختارهای قانونی و سیاسی ایران بوده است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی:

ایران، فرانسه، آلمان، اعزام دانشجو، علم، فناوری، تغییرات فرهنگی و اجتماعی.

درجه مقاله: علمی-ترویجی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱/۳۱

^۱ دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان-ایران (نویسنده مسئول) bagheri.m12@gmail.com

^۲ دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان-ایران basiri@ase.ui.ac.ir

مقدمه

زندگی در جهان کنونی بدون ارتباط با سایر کشورها امری غیرممکن است. جدا از ارتباطات سیاسی، ارتباطات علمی و فرهنگی بین کشورها دارای اهمیت است. تحصیل علم و دانش و مهاجرت به سایر نقاط برای اخذ آخرین علوم و فنون، سابقه‌ای طولانی در حیات بشر دارد. در دوران کنونی نیز اعزام محصل و دانشجوی به خارج از کشور و تحصیل در کشورهای پیشرفته جهت اخذ آخرین علوم و فناوری‌های جهانی یکی از مهم‌ترین ابزارهای رسیدن به توسعه است. در حالی که جهانی شدن منجر به از بین رفتن فاصله‌ها و نزدیکی بیش از پیش مردمان کشورهای مختلف به یکدیگر شده است، کشورهای توسعه‌یافته به دنبال استفاده از این نیاز کشورهای در حال توسعه جهت پیشبرد اهداف دیپلماسی فرهنگی خود در سطح جهان هستند و این موضوع در خصوص ایران نیز مصداق داشته است. زمانی که ایرانیان پس از شکست در جنگ‌های ایران و روس و از دست دادن شهرهای قفقاز، در خصوص چرایی این شکست به فکر فرو رفتند، بخش عمده‌ای از نخبگان کشور، علت را در عقب‌ماندگی علمی-صنعتی یافته که ریشه آن را بعدها به استبداد داخلی و استعمار خارجی مربوط دانستند. آنها یکی از راه‌های برون‌رفت از این عقب‌ماندگی را دستیابی به علوم و فناوری‌های جدید در غرب می‌دانستند. اعزام محصل به اروپا برای کسب علم و فناوری جدید از جمله اولین اقدامات ایرانیان بود که تأثیرات متعددی بر ابعاد مختلف زندگی آنها بر جای گذاشت. البته بدیهی است که این تأثیرگذاری در درون نظام اجتماعی ایران انجام گرفت و در این دوره، رخدادها و تحولات سیاسی و اجتماعی متعدد ایران از جمله انقلاب مشروطیت همراه با اعزام محصل یا به تعبیر جدید، اعزام دانشجو به غرب بود که سرمنشأ بسیاری از تغییرات و دگرگونی‌ها در نظام اجتماعی و سیاسی ایران گردید.

افرایش ارتباطات علمی و فرهنگی بین کشورها، فرصتی را برای کشور پذیرنده فراهم می‌کند تا از طریق دیپلماسی فرهنگی و با ابزار فرهنگ و علم، نفوذ و قدرت نرم خویش در سایر کشورها را افزایش دهد؛ زیرا تحصیل یک فرد از کشور توسعه‌نیافته و جهان سومی در کشوری پیشرفته، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر افکار و اندیشه و ارزش‌های فردی او می‌گذارد و سرانجام در تأمین ابعاد مختلف منافع ملی کشور پذیرنده (اعم از ترویج زبان ملی، سبک زندگی و فرهنگ) تأثیرگذار است. از این رو است که یکی از ابزارهای اعمال نفوذ و حتی سلطه قدرت‌های بزرگ بر کشورهای ضعیف، پذیرش دانشجویان و ارائه بورس‌های تحصیلی به آنان است.

در ایران از عصر قاجار تاکنون، مسأله اعزام دانشجویان به خارج از کشور با هزینه دولت وجود داشته است که با هدف جبران عقب‌ماندگی‌های کشور در حوزه‌های مختلف علمی و فنی بوده است. در این بین، بسیاری از دانشجویان به کشورهای فرانسه و آلمان اعزام شده‌اند. از این رو، سؤال اصلی مقاله حاضر این است که اعزام دانشجویان به فرانسه و آلمان چه تأثیری بر سطح علمی ایران و ایجاد تغییر در افکار و ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران داشته است؟ فرض اصلی در این مقاله آن است که اعزام دانشجویان در یک قرن اخیر به فرانسه و آلمان یکی از پایه‌های اصلی انتقال علم و فناوری جدید به ایران و ایجاد تغییر در تفکر و ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران بوده است. بر این اساس، این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و چارچوب مفهومی دیپلماسی فرهنگی به بررسی این موضوع می‌پردازد. در این راستا با استفاده از مفهوم فوق، ابتدا به دیپلماسی فرهنگی و تبادلات علمی و بین‌المللی پرداخته، سپس ضمن تبیین روند اعزام دانشجویان به آلمان و فرانسه و تأثیر این اقدام بر انتقال علم و فناوری به ایران، تأثیرات آن بر معماری و شهرسازی، هنر، فرهنگ، نهادها و ساختار سیاست و حکومت در ایران بررسی می‌شود.

چارچوب مفهومی: دیپلماسی فرهنگی

با توجه به افزایش نقش مردم و حوزه عمومی در روابط بین‌الملل، بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی به عنوان ابزار قدرت نرم امری اجتناب‌ناپذیر است. مبادلات فرهنگی-دانشگاهی و جذب دانشجویان بین‌المللی نقشی مهم در ایجاد قدرت نرم و تسخیر ذهن‌ها و قلب‌ها ایفا می‌کنند. اهمیت این حوزه به عنوان یک فعالیت بلندمدت دیپلماسی عمومی، دولت‌ها را به همکاری با جامعه فرهنگی واداشته است. آموزش‌های بین‌المللی موفق می‌توانند ارتباطات بلندمدتی را در شکل وفاداری و ایجاد ذهنیت مثبت میان یک کشور و انبوهی از فارغ‌التحصیلان خارجی ایجاد کنند که به مثابه پتانسیل دائمی قدرت نرم، دارای توان تأثیرگذاری سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و راهبردی به نفع یک کشور در کشور دیگر بدون صرف هیچ هزینه‌ای است (پرویزی، ۱۳۹۲: ۱۰۳۹-۱۰۳۸).

دیپلماسی فرهنگی نمونه بارز استفاده از قدرت نرم محسوب می‌شود و ابزاری است که با استفاده از آن، کشوری شخصیت و محبوبیتی برای خود ایجاد می‌کند تا از آن طریق، بر دیگر کشورها به‌ویژه بر افکار عمومی آنها نفوذ کند؛ البته این نفوذ نه با زور و قوه قهریه، بلکه با ایجاد جذبه و کشش است. باید در نظر داشت که هدف سیاسی و غیرمستقیم دیپلماسی فرهنگی،

توسعه و گسترش مناسبات سیاسی میان ملت‌ها و کشورها از طریق فرهنگ و ابزارهای فرهنگی به‌منظور تأمین منافع در سیاست خارجی کشورها است؛ زیرا در میان عناصر و مؤلفه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی مؤثر بر سیاست خارجی کشورها، هیچ‌کدام پایدارتر و تأثیرگذارتر از دیپلماسی فرهنگی نیست (دهشیری، ۱۳۹۳: ۲۲-۲۰).

صرف نظر از نیت کشورها، دیپلماسی فرهنگی بر اهمیت فعالیت‌های بلندمدتی تأکید می‌کند که هدف اصلی آنها ایجاد تصویر مثبت، فوری و زودگذر از یک کشور در کشور دیگر نیست، بلکه هدف این است که درهای کشوری را به روی کشور دیگر باز کنند. آموزش‌های بین‌المللی نیز ماشینی است که تعامل صحیح، تبادل و همکاری در سطح اشخاص، سازمان‌ها و جوامع را ممکن ساخته و توسعه می‌دهد. تغییر رویکردها از طریق آموزش‌های پیشرفته‌تر در دانشگاه‌ها یکی از مهم‌ترین جنبه‌های روابط فرهنگی و دیپلماسی عمومی است. اگر چه دیپلماسی عمومی وظیفه اصلی دانشگاه‌ها نیست اما آنها با ایجاد تصویر مثبت از کشور و بازکردن درها به روی خارجی‌ان و پرورش دیدگاه‌هایشان در قدرت نرم یک کشور دخیل هستند (پرویزی، ۱۳۹۲: ۱۰۶۰-۱۰۵۹). در تشریح چگونگی استفاده از دیپلماسی فرهنگی به‌منظور تحلیل مسأله اصلی این مقاله، باید گفت که با کمک این مفهوم و ابعاد و مؤلفه‌های آن، چگونگی تأثیرگذاری روابط فرهنگی و علمی بین ایران با آلمان و فرانسه بر روند و سطح ایجاد تغییرات در ساختارهای علمی، فنی، هنری، فرهنگی و سیاسی ایران بررسی می‌شود.

دیپلماسی فرهنگی و تبادلات علمی و بین‌المللی

از مواردی که کشورها سعی در استفاده از آن برای تأمین اهداف دیپلماسی فرهنگی دارند، تبادلات علمی و بین‌المللی و به‌صورت خاص، تأثیرگذاری بر دانشجویان خارجی تحصیل‌کننده در کشورهای خود است. از این منظر، توجه به تأثیرات تحصیل در خارج از کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

توسعه علمی حرکتی چندوجهی است که در ظرف یک محیط بین‌المللی رخ می‌دهد. از یک طرف، پدیده جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ و سیاست و از طرف دیگر، جهان‌وطن بودن علم و فناوری موجب افزایش روند رو به رشد فعالیت‌های بین‌المللی شده است. حرکت آزاد و بدون محدودیت سرمایه، اطلاعات و ایده در سطح جهان که تحرک و جابه‌جایی دانشجویان و پژوهشگران بخشی از آن به‌شمار می‌رود، اساس تشکیل سرمایه انسانی در چارچوب جهانی است و آموزش عالی را بین‌المللی کرده است. این وضعیت منجر به این شده است که در دوران

کنونی، کشورها با ارتقای سطح همکاری‌ها و تبادلات بین‌المللی علمی، نه تنها مشروعیت و منزلت خود را بالا می‌برند، بلکه به نوسازی اقتصاد، کارآمدی فناوری و توسعه علمی خود کمک می‌کنند (ذاکر صالحی و صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۱: ۶۷).

هم‌زمان با ظهور پدیده جهانی‌شدن، همکاری‌های علمی بین‌المللی دانشگاه‌ها نیز به‌عنوان نهادهایی برای کاهش و حذف فاصله بین دانش و فناوری و نیز تقویت مبادلات علمی، آموزشی و فرهنگی میان ملل و فرهنگ‌ها از جایگاه مطلوبی برخوردار شده است. رشد فزاینده ارتباطات اجتماعی در بُعد جهانی، زمینه مناسبی را برای همکاری‌های علمی بین‌المللی فراهم نموده است، تا به حدی که امروزه مبادلات علمی- فرهنگی نقش بنیادینی را در حیات اجتماعی ملت‌ها ایفا می‌کنند. جوامع بشری نیز برای تحقق اهداف و آمال خود، به تبادل و همکاری‌های علمی و فرهنگی نیازمندند و تجارب فعالیت‌های علمی در کشورهای مختلف نشان‌دهنده این است که هر نوع تحرک در توسعه علمی اعم از آموزشی، پژوهشی، فناوری و ارتقای کیفی و کمی آن به همکاری با کشورهای صاحب علم و فناوری و همچنین توان جذب دانشمندان و متخصصان برجسته‌ای که با جریان علم روز مرتبط هستند، وابسته است و زمانی این امر میسر خواهد شد که شرایط علمی مطلوب در داخل به‌ویژه از نظر ارتباطات بین‌المللی و تسهیلات لازم در این زمینه فراهم شود (استادزاده، ۱۳۸۴: ۷۵-۷۴).

اعزام دانشجویان به خارج از کشور برای کشورهای ارسال‌کننده از نظر افزایش همکاری‌های بین‌المللی و ارتباطات علمی و برای کشورهای میزبان، از جهت اشتراک‌گذاری و تبادل اطلاعات، مزایای بالقوه‌ای را ایجاد می‌کند (Wu and Shao, 2014:1-3). تبادل استاد و دانشجو برای دسترسی به یافته‌های تحقیقاتی، ایجاد ارتباط مشترک و شبکه‌ای میان دانشگاه‌ها و تداوم همکاری‌های علمی- بین‌المللی را فراهم خواهد ساخت. از این رو لازم است که اصل همکاری بین‌المللی مبتنی بر همبستگی، به‌رسمیت شناختن یکدیگر و حمایت متقابل، مشارکت صحیح به شکل منصفانه که نه تنها منافع طرف‌ها، بلکه ارزش تقسیم دانش و مهارت را حفظ کند، بر روابط بین مؤسسه‌های آموزش عالی در کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه حاکم گردد (استادزاده، ۱۳۸۴: ۷۸-۷۵). اگر چه در جهان کنونی و در صحنه عمل، تأثیرگذاری روابط سیاسی بر ارتباطات علمی و نیز سیاست‌های کشورهای غربی از جمله آمریکا علیه برخی کشورها مانند ایران، مانع از مشارکت منصفانه در این حوزه دانشگاهی گردیده است.

تحصیل در خارج از کشور و مهاجرت دانشمندان و متخصصان نیز پدیده‌ای فراگیر است که قدمت آن به سیرت الی پانصد سال قبل از میلاد برمی‌گردد که روشنفکران به آتن مهاجرت

می کردند. در قرون بعدی نیز مهاجرت‌هایی به مراکز فکری عمده از جمله اسکندریه، رم و جندی شاپور در شرق ایران وجود داشته است. در جوامع صنعتی از جمله کشورهای اروپایی و آمریکا، تحصیل در خارج از کشور به عنوان اقدامی جهت کسب جایگاه اجتماعی مطرح است و رقابت شدید برای بورس‌های تحصیلی مارشال، رودز و فولبرایت نشان‌دهنده اهمیت تحصیل در خارج از کشور حتی در آمریکا است (Fry, 1984: 203).

توسعه آگاهی‌های منطقه‌ای و ایجاد حساسیت در خصوص نیاز به دموکراسی فرهنگی، از اثرات تحصیل در خارج از کشور برای دانشجویان است. این امر همچنین امکان تغییر نگرش، ایجاد تحرک اجتماعی دانشجویان به سمت بالا و جبران پس‌زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی را فراهم می‌کند. نتایج تحقیقی در این زمینه نشان می‌دهد که در کشورهای در حال توسعه بین تحصیل در خارج از کشور و عملکرد اقتصادی، رابطه معنادار و مثبتی وجود داشته است. برای مثال در دهه هفتاد میلادی، کشورهایی که دانشجویان خود را به کشورهای آلمان و ژاپن فرستاده‌اند، عملکرد اقتصادی برتر و طولانی‌مدتی را داشته‌اند و دلیلش آن بوده که در این دو کشور تأکید عمده بر فناوری و توسعه بوده است که در ژاپن موجب انتقال سریع این کشور از دولت فئودالی به جامعه فناورانه گردید. از سوی دیگر توسعه مهارت‌های تکنیکی یکی از مهم‌ترین استدلال‌های تحصیل خارج از کشور است و این امر، مکانیسم کسب مهارت‌های فنی مربوط به توسعه را امکان‌پذیر می‌سازد. در عین حال، نتایج تحقیقات نشان‌دهنده آن است که تحصیلات در خارج از کشور دارای اثرات مثبت سیاسی و اقتصادی در درازمدت است. از این رو، باید گفت که تحصیلات خارجی یکی از پایه‌های تشکیل‌دهنده توسعه و ایجاد همکاری‌های مسالمت‌آمیز در سطح جامعه جهانی محسوب می‌شود. با این حال، برخی محققان مانند آرنو معتقدند که برنامه‌های تحصیلی در خارج از کشور برای نخبگان، بخشی از یک سیستم ظریف جهت فراهم کردن کنترل سیاسی و سلطه و وابستگی سیاسی سایر کشورها است. در این خصوص می‌توان به کودتای ۱۹۶۵م. سوهارتو^۱ در اندونزی اشاره کرد که در پی آن، گروهی از نخبگان اندونزیایی از جمله اقتصاددانانی که پیش از این با حمایت مالی بنیاد فورد^۲ در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی آمریکا تحصیلات عالی خود را طی کرده بودند (Fry, 1984: 205-220) با همراهی جامعه‌شناسانی از این طیف به طراحی و اجرای سیاست‌های توسعه اقتصادی مبتنی بر لیبرالیسم و بازار آزاد در این کشور اقدام نمودند و از طریق این نخبگان بود که آمریکا توانست ضمن ایجاد سلطه، منافع اقتصادی و سیاسی خود را در اندونزی و منطقه جنوب شرق

^۱. Suharto

^۲. Ford Foundation

آسیا تأمین کند (Ransom, 1975: 93-116). در ایران نیز با نگاهی به عناصر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و نیز پس از آن، برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی اعمال‌شده طی دوره پهلوی دوم می‌توان تأثیر این امر را بر صحنه سیاست و جامعه ایران مشاهده کرد. باید گفت که یکی از روش‌های مهم اعمال دیپلماسی فرهنگی از طریق ارتباطات علمی و فرهنگی پیگیری می‌شود.

مروری بر روند اعزام دانشجویان ایرانی به آلمان و فرانسه

اعزام محصل در دوره قاجار و آنچه بعدها به‌عنوان اعزام دانشجویان به خارج از کشور نام گرفت، از مهم‌ترین راه‌های کسب علوم و فنون جدید در ایران محسوب می‌شود. آموزش و پرورش ایران که تا سال ۱۲۲۶ق. جنبه سنتی داشت، در این سال تحت تأثیر تحولات تازه‌ای که در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی در کشور رخ داد، تغییر یافت و فکر اعزام محصل به خارج، مطرح و عملی شد. به بیان دیگر، اعزام محصل به خارج برای فراگیری علوم و فنون و صنایع جدید و سپس ترویج و توسعه آن در ایران توسط این محصلان اعزامی، برای نخستین بار در سال ۱۲۲۶ق. انجام شد. می‌توان گفت اعزام محصل به خارج در چهار دوره متفاوت شامل دوره قاجار، پهلوی اول، پهلوی دوم و جمهوری اسلامی دنبال شده است. دوره نخست اعزام محصل که حدود ۱۱۵ سال طول کشید، از سال ۱۲۲۶ق. تا سال ۱۳۴۳ق. بود و در این دوره حدود هزار نفر به خارج از کشور اعزام شدند. در دوره دوم که از سال ۱۳۰۰ش. تا ۱۳۲۰ش. ادامه یافت، تعداد محصلین اعزامی بسیار زیادتر بود. در دوره سوم و طی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ش. تعداد افراد اعزامی آن‌قدر زیاد بود که در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی، فقط تعداد دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا چهل هزار نفر برآورد شده است (سرمد، ۱۳۷۲: ۱۱-۱۲). دوره چهارم پس از انقلاب اسلامی، به‌ویژه بعد از پایان جنگ ایران و عراق با مصوبه مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۷ش. جهت اعزام دانشجوی بورسیه و با هزینه شخصی (آزاد) به خارج از کشور بود.

نخستین بار، میرزا بزرگ قائم‌مقام فراهانی که وزیر عباس‌میرزا ولیعهد فتحعلی شاه بود، او را تشویق به فرستادن دانشجویان به خارج از کشور نمود. در این دوران، دولت به هزینه خود طی دو مرحله هفت نفر را برای تحصیل علوم و فنون مختلف در زمینه‌های پزشکی، فنی و مهندسی، علوم و ادبیات، نقاشی و علوم نظامی به انگلستان اعزام کرد و نخستین افراد در سال ۱۲۲۶ق. به این کشور اعزام شدند (سرمد، ۱۳۷۲: ۱۳). از این رو، باید گفت عباس‌میرزا بود

که علی‌رغم وجود مشکلات فراوان، راه سفر به اروپا را برای تحصیل ایرانیان باز نمود. در زمان محمد شاه، تغییری در محل اعزام دانشجویان از انگلیس به فرانسه رخ داد و در این زمان پنج نفر برای آموختن علوم نظامی به فرانسه اعزام شدند. در سال ۱۲۶۰ق. نیز پنج نفر برای فراگیری علوم نظامی، مهندسی، چیت‌سازی و صنعت قند و شکر، پزشکی و معدن عازم فرانسه شدند. در سال ۱۲۷۵ق. نیز تعداد ۴۷ نفر از فارغ‌التحصیلان دارالفنون از سوی دولت به فرانسه اعزام شدند. در سال ۱۳۲۹ق. پس از استقرار مشروطیت نیز تعداد سی نفر به فرانسه اعزام شدند که رشته‌های تحصیلی آنها شامل زبان فرانسه، تعلیم و تربیت، کشاورزی، فنون نظامی، حقوق و پزشکی بود. در عصر قاجار در شش دوره، حدود صد نفر برای تحصیل با هزینه دولت به اروپا رفتند. از سال ۱۲۲۶ق. تا پایان قاجاریه - حدود ۱۱۵ سال - نزدیک به هزار نفر محصل از ایران (با هزینه دولت و شخصی) به خارج از کشور اعزام شدند که در این بین، بیشترین افراد به کشور فرانسه فرستاده شده و آلمان نیز بعد از انگلیس و روسیه در رتبه چهارم کشورهای پذیرنده دانشجویان ایرانی قرار داشت. البته روند اعزام در دوره‌های پهلوی اول و دوم و نیز اوایل انقلاب اسلامی به شدت افزایش یافت (معمدی، ۱۳۹۱ الف، ۱۵۵، ۶۰-۵۱).

دوره دوم اعزام محصل به خارج در زمان رضا خان انجام شد. شاید یکی از مهم‌ترین طرح‌های مدرنیزاسیون دوره پهلوی اول تصمیم به اعزام دانشجو به خارج از کشور بود. اولین گروه از افراد در زمان وی به آکادمی ارتش فرانسه اعزام شدند. ارائه آموزش خارجی به افسران یکی از اولویتهای اصلی رضا شاه در طول دوره زمامداری‌اش بود. این در حالی است که در سال ۱۹۲۶م. تعداد بیست دانشجو برای تحصیل در رشته‌های مهندسی به فرانسه اعزام شدند. از حدود ۱۲۵ دانشجویی که در سال اول اعزام شدند، ۱۱۰ نفر به فرانسه و حدود نه نفر برای تحصیل در راه‌آهن به آلمان و بین سه تا چهار نفر نیز به بلژیک و انگلیس اعزام شدند. رشته‌های تحصیلی در نظر گرفته برای دانشجویان اعزامی نیز بر اساس نیازهای اساسی کشور و نشان‌دهنده حرکت به سمت مدرن‌سازی بوده است، زیرا از ۱۳۱ دانشجوی اعزامی در سال ۱۹۳۰م.، ۳۵ نفر در آموزش و پرورش، ۳۵ نفر در مهندسی مکانیک، ۱۲ نفر در پزشکی، پنج نفر در مهندسی کشاورزی و تعدادی نیز در مهندسی معدن و برق اقدام به تحصیل نمودند (Boroujerdi, 2005: 143-145).

در دوره سوم اعزام دانشجو و به‌صورت خاص در سال ۱۳۳۸ش.، بیش از شانزده هزار نفر در خارج تحصیل می‌کردند که ۳۵۰ نفر از آنها محصل دولتی و ۴۲۶ نفر کمک‌هزینه بگیر و نزدیک به پانزده هزار نفر کسانی بودند که با هزینه شخصی در خارج از کشور تحصیل

می کردند. اتخاذ سیاست درهای باز در تحصیلات خارج از کشور در دوران پهلوی موجب گسترش کمی دانشجویان ایرانی در خارج شد؛ به گونه‌ای که طی سال‌های ۱۳۵۲-۱۳۴۷ ش. حدود سی هزار نفر برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفتند و این تعداد در سال‌های پایانی دوره پهلوی بالغ بر صد هزار نفر می شد. تعداد دانشجویان ایرانی در سال ۱۳۵۹ ش. نیز در همین میزان بود اما تغییر شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه و تغییر سیاست‌های دولت منجر به کاهش میزان دانشجویان اعزامی گردید، به حدی که این تعداد در سال ۱۳۶۳ ش. به ۶۵۱۳۳ نفر کاهش یافت. قانون مصوب سال ۱۳۶۴ ش. نیز اعزام دانشجویان به خارج را منحصر به مقاطع بالاتر از کارشناسی کرد و شرایط خاصی را برای آن در نظر گرفت (حاضری، ۱۳۷۲: ۴۱-۳۹).

یکی از مسائلی که با سیاست‌گذاری‌های مربوط به اعزام دانشجویان پیوند دارد، موضوع انتخاب کشور محل تحصیل دانشجویان اعزامی است. این امر نشان‌دهنده آن است که تعداد دانشجویان اعزامی به هر یک از کشورهای خارجی در مقاطع مختلف، رابطه تنگاتنگی با سیاست خارجی حاکم بر کشور در آن دوران داشته است. اولین اعزام‌ها در دوره عباس میرزا به انگلستان انجام شد. در زمان محمد شاه به دلیل تیرگی روابط ایران و انگلیس و ایجاد روابط حسنه با فرانسه، مقصد دانشجویان اعزامی به فرانسه تغییر یافت، این روند تا حدود سال‌های ۱۳۲۰ ش. تداوم داشت. یکی از دلایل این امر، سابقه فرهنگی زبان فرانسه و نقش انگلیس در حوادث ایران بوده است. در این دوران بسیاری از تحصیل کرده‌های دوره متوسطه ایران تنها با زبان فرانسه آشنا بودند و زبان آموزشی مراکزی مانند دارالفنون، مدرسه حقوق، مدرسه سیاسی و دارالمعلمین و مدارس آلیانس^۱ (وابسته به میسیونرهای مذهبی فرانسوی) زبان فرانسه بود و در عین حال، این زبان دارای سابقه صدساله به عنوان زبان آموزشی، اداری و سیاسی حاکم بر ایران بوده است.

سال ۱۳۲۰ ش. آغاز زمینه‌سازی برای تحول در محل تحصیل دانشجویان خارج از کشور محسوب می شود. با پایان جنگ جهانی دوم و تغییر در معادلات سیاست بین‌الملل و افزایش نقش زبان انگلیسی به عنوان زبان مشترک آمریکا و انگلستان و افول زبان فرانسه در سطح جهان و گسترش آموزش زبان انگلیسی در کشور و حضور قوی آمریکا بعد از کودتای

۱. مدارس آلیانس شامل مجموعه‌ای از مدرسه‌های فرانسوی بودند که بر آموزش نوین و متمرکز فرزندان یهودیان تأکید می کردند و هدف اصلی آنها در ایران، گسترش زبان و فرهنگ فرانسه و نفوذ فرهنگی بود. این مدارس توسط شعبه آلیانس یهود (اتحاد جهانی یهود) که مرکز آن در پاریس بود، در ایران بنا گردیدند. نخستین مدرسه آلیانس ایران در سال ۱۳۱۶ ق. / ۱۸۹۸ م. و در زمان مظفرالدین شاه در تهران شروع به کار کرد. آلیانس یهود، به تدریج در سایر شهرها از جمله شیراز، اصفهان و کرمانشاه نیز شعباتی ایجاد نمود (سلطانی، ۱۳۹۱: ۱۱۶-۱۱۵).

۱۳۳۲ش. در ایران، روند تغییر محل تحصیل دانشجویان شروع شد. با این وجود، در دهه ۲۰ شمسی، فرانسه حدود ۵۵٪ کل دانشجویان اعزامی را به خود اختصاص داده است اما اسناد و آمار مربوط به دانشجویان خارجی در دهه چهل شمسی نشان‌دهنده این است که سه کشور آمریکا، آلمان و انگلستان به عمده‌ترین مراکز تحصیل دانشجویان ایرانی تبدیل شده‌اند. در خصوص کشور آلمان نیز باید گفت که اعزام دانشجو به این کشور عمدتاً به زمان رضا شاه و هم‌سویی سیاست ملی‌گرایی وی با نژادگرایی آلمان نازی برمی‌گردد. در این دوره، اولین هنرستان صنعتی در ایران توسط آلمانی‌ها ایجاد شد. در دوره رضا شاه، آلمان بعد از فرانسه و انگلیس یکی از مراکز عمده تحصیل دانشجویان ایرانی بوده است. آمار سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۸ش. بیانگر این است که کشور آلمان بعد از آمریکا مقام دوم را در این زمینه داشته است. این روند تا سال‌های اولیه پس از انقلاب اسلامی نیز ادامه داشت. برای مثال در سال ۱۳۴۲ش. از مجموع ۱۷۳۸۵ نفر دانشجوی ایرانی خارج از کشور، تعداد ۴۸۲۹ نفر در آلمان و ۱۱۵۳ نفر در فرانسه مشغول به تحصیل بودند. در سال ۱۳۶۳ش. نیز از مجموع ۶۵۱۳۳ نفر کل دانشجویان ایرانی، ۵۷۹۹ نفر در آلمان و ۴۸۱۷ نفر در فرانسه مشغول به تحصیل بودند. از جمله دیگر دلایل افزایش کمی دانشجویان در آلمان نسبت به فرانسه، برتری فناوری و صنعت آلمان و اعتماد جامعه ایران به کیفیت برتر محصولات آلمانی بوده است که این مسأله تحصیل در آلمان را از ارزش اجتماعی خاصی برخوردار می‌کرد (حاضری، ۱۳۷۲: ۱۲۲-۱۰۵). می‌توان گفت که این روند در مورد آلمان، طی دهه‌های پس از انقلاب اسلامی به‌ویژه در خصوص رشته‌های فنی-مهندسی تداوم یافته است.

برابر آمار یونسکو در سال ۲۰۱۳م. شش کشوری که بیشترین مقدار میزبانی از دانشجویان خارجی را در سطح جهان دارا بودند، به‌ترتیب عبارتند از ایالات متحده آمریکا (میزبانی ۱۹٪ از دانشجویان خارجی)، بریتانیا (۱۰٪)، استرالیا (۶٪)، فرانسه (۶٪)، آلمان (۵٪) و فدراسیون روسیه (۳٪). در این مدت، ایران تعداد ۱۷۵۵ نفر دانشجو در فرانسه و ۳۱۳۵ نفر دانشجو در آلمان داشته است، در حالی که در این زمان، در آمریکا ۸۳۶۸ دانشجوی ایرانی حضور داشته‌اند (UNESCO, 2016). این روند در سال‌های اخیر نیز تداوم یافته است و بر اساس آخرین گزارش رصدخانه مهاجرت ایران وابسته به پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف، در سال ۲۰۱۸م. تعداد ۵۶۳۷۶ نفر ایرانی در خارج از کشور در حال تحصیل بودند و ایران از این لحاظ، جایگاه نوزدهمین کشور فرستنده دانشجو را از بین ۲۴۱ کشور جهان دارا بوده است. بر اساس این گزارش، مقاصد اصلی دانشجویان ایرانی نیز آمریکا، ترکیه، آلمان، ایتالیا

و کانادا بوده‌اند. در این بین، از میان ده مقصد برتر دانشجویان ایرانی در خارج از کشور، آمریکا با ۱۱۱۴۵ نفر رتبه اول، آلمان با ۵۵۶۵ نفر رتبه سوم و فرانسه بعد از هند با ۱۴۹۲ نفر رتبه نهم مقصد اصلی دانشجویان ایرانی را تشکیل داده است (صلواتی، ۱۴۰۰: ۱۲۰-۱۱۹). این امر گویای تداوم جذابیت کشورهایمانند آلمان و فرانسه برای تحصیل دانشجویان ایرانی است.

تأثیرات فرهنگی، علمی و فناوریک اعزام دانشجویان به فرانسه و آلمان در ایران

در زمینه تأثیرات اعزام محصل و دانشجویان به اروپا باید گفت برخی از تأثیرات، مستقیم و ناشی از تأثیرات فرهنگی، علمی و اجتماعی اعزام افراد به غرب بوده است و برخی دیگر نتیجه اقدامات افراد تحصیل کرده در غرب و یا ناشی از تأثیرات غیرمستقیم تداوم روند اعزام دانشجویان و گسترش ارتباطات علمی و فرهنگی با این کشورها بر ابعاد مختلف فرهنگ، سیاست، اجتماع و اقتصاد ایران بوده است. بنابراین، از آنجا که اعزام دانشجویان به فرانسه و آلمان تأثیرات مختلفی در انتقال فناوری و علوم و فنون جدید به ایران و تغییر فرهنگ، نهادها و ساختار سیاست و معماری و شهرسازی و هنرهای جدید داشته است، این سه موضوع به تفکیک بررسی و تبیین خواهد شد.

انتقال فناوری و علوم و فنون جدید به ایران

ایرانیان زمانی که در جنگ با روس‌ها متحمل شکست شدند، با رسیدن به خودآگاهی، به فاصله عمیق خود با غرب پی بردند. از این رو بود که یکی از مهم‌ترین دلایل اعزام محصل به غرب در این دوران، احساس نیاز به کسب علوم و نیز فنون و فناوری‌های جدید در ایران بود. در این بین، از دیگر تأثیرات اعزام دانشجویان به اروپا و از جمله فرانسه و آلمان، ایجاد مدارس نوین و دانشگاه، احداث راه‌آهن و ایجاد صنایع جدید، ورود معماری غربی و شهرسازی مدرن بود که در ادامه بررسی می‌شود.

ایجاد مدارس نوین و دانشگاه در ایران

در دوره قاجار بسیاری از دولتمردان و دانش‌آموختگان نوگرا راه خروج از بن‌بست‌های سیاسی-اجتماعی را روی آوردن به فرنگ می‌دانستند. این رویکرد را باید از پیامدهای شکست‌های ایران از روسیه در سال‌های ۱۸۱۲ و ۱۸۱۶م. برشمرد که علاوه بر ایجاد بحران‌های سیاسی و اقتصادی، منجر به ایجاد بحران هویت گردید. در این بین، بسیاری از نوگرایان مانند طالبوف راه برون‌رفت از این بن‌بست‌های سیاسی و فرهنگی را در برپایی مدارس نوین و آموزش

زبان‌های فرنگی می‌دانستند. از این رو، برای ایرانیان دست‌یافتن به زبان‌های فرنگی، به‌ویژه فرانسه که زبان روسو و ولتر هم بود، ابزاری برای دست‌یافتن به دانش و مدنیت جدید محسوب می‌شد. باید گفت یکی از دلایل گرایش ایرانیان به زبان فرانسه این بود که سیاست آن کشور را خارج از سیاست‌های استعماری روس و انگلیس می‌پنداشتند. دیگر آنکه فرانسویان را وارث اندیشه‌های عصر روشنگری و انقلاب کبیر می‌دانستند و این در حالی بود که به تاریخ سیاسی-اجتماعی آن کشور و سیاست‌های آن در مصر و آفریقا توجه لازم نداشتند. از طرف دیگر، روی آوردن بسیاری از شاهزادگان و حاکمان وقت بنا به دلایل سیاسی یا علاقه شخصی به زبان و ادبیات فرانسه در گسترش آن تأثیرگذار بود. در کنار این امر، هم‌چنین ایجاد مدارس نوین دولتی از قبیل دارالفنون در ترویج و آموزش زبان فرانسه اثرگذار بود. در عین حال، مدارس آلیانس فرانسه نیز نقشی مهم در این خصوص ایفا کردند (سلطانیان، ۱۳۹۱: ۱۱۸-۱۱۶).

بعد از شکست دولت قاجار در جنگ‌های ایران و روس، گرایش جدی به تحولات نوین به‌ویژه در زمینه آموزشی در کشور ایجاد شد. دولت علت اساسی ناتوانی نظامی، سیاسی و اقتصادی خود را ضعف در دانش و فنون جدید می‌دانست؛ همان توانایی که در غرب به اوج رسیده بود و برای برطرف کردن این ضعف، دانشجویانی را به اروپا اعزام نمود تا با کسب علوم و فنون جدید تغییراتی در نظام آموزشی به‌وجود آورند. روند تحول فوق به‌صورت محدود ادامه یافت تا اینکه در دوره ناصری، دارالفنون در سال ۱۲۲۹ ش. با درایت امیرکبیر به منظور کسب دانش نوین ایجاد شد و در چندین رشته مورد نیاز کشور با حضور استادان اروپایی امکان کسب علوم و فنون جدید فراهم گردید (نعمتی و ادوای، ۱۳۹۲: ۱۵۴).

بنابراین، یکی از تأثیرات اعزام دانشجو به خارج از کشور را می‌توان ایجاد مدارس نوین و دانشگاه در ایران دانست. نخستین مؤسسه آموزشی که در ایران به سبک اروپاییان ایجاد شد، دارالفنون بود. پس از روی کار آمدن امیرکبیر که پیش از این در سفرهای خارجی از مؤسسات علمی روسیه بازدید کرده بود، وی چاره کار را در آن دید که به جای اعزام محصل به خارج و یا استخدام مشاوران خارجی، مرکزی را برای آموزش علوم و فنون در ایران ایجاد و از معلمان خارجی کشورهای اتریش، آلمان و فرانسه استفاده کند و در نهایت، معلمان اتریشی برای تدریس در نظر گرفته شدند. هدف امیرکبیر از ایجاد دارالفنون، کسب و ترویج علوم و فنون جدید و رفع نیازهای نظامی کشور بود. وی دستور تهیه نقشه ساختمان را به میرزا رضاخان مهندس تبریزی، یکی از محصلین اعزامی به لندن در زمان عباس میرزا داد و کار ساخت از سال ۱۲۲۹ ش. شروع شد و مقدمات ورود معلمان اتریشی را برای تدریس در دارالفنون فراهم

نمود. رشته‌های تحصیلی در دارالفنون شامل پیاده نظام، سواره نظام، توپخانه، پزشکی و جراحی، داروسازی و کانی‌شناسی بودند. در پی تأسیس دارالفنون، اقداماتی نیز در تألیف و ترجمه کتب علوم و فنون جدید، رواج طب غربی و بیمارستان، پایه‌گذاری تلگراف، ترسیم نخستین نقشه تهران، ایجاد چاپخانه کتاب‌های درسی، کشف معادن و تولید مواد، عکاسی و نقاشی، جمع‌آوری کتب خطی و چاپی و آمارگیری از جمعیت تهران انجام شد. پس از دارالفنون، مدارس دیگری با این سبک در تبریز و اصفهان ایجاد شدند (معمدی، ۱۳۹۱ الف: ۷۸-۶۲).

دانشجویان اعزامی به خارج از کشور در دوران قاجار پس از بازگشت به ایران، منشأ بسیاری از تحولات اجتماعی، علمی و فنی شدند. برخی از این افراد در محل تخصص‌های خود قرار گرفتند و آموزش‌هایی را که فرا گرفته بودند به کار بستند. برخی به‌عنوان استاد و معلم جذب مراکز آموزشی شدند و نسبت به افزایش افراد باسواد و تحصیل‌کرده در کشور اقدام نمودند. هم‌چنین برخی از آنها به ترجمه کتاب و نوشتن مقاله دست زدند و سبب ورود علوم و فنون و مفاهیم جدید به جامعه ایران شدند. در ایران، نخستین روزنامه، نخستین مدرسه، نخستین کارخانه و نخستین بیمارستان را افرادی از همین دانشجویان تحصیل‌کرده در خارج از کشور ایجاد کردند. استادان خارجی که به ایران دعوت شدند، زبان فارسی نمی‌دانستند و تعدادی از این دانشجویان تحصیل‌کرده، مترجم استادان خارجی بودند که پس از مدتی جای استادان را گرفتند و عامل انتقال علوم و فنون و گسترش آن در ایران شدند (معمدی، ۱۳۹۱ الف: ۱۵۳-۱۵۲). مدارس جدید در ایران به شکل دبستان و دبیرستان و به سبک کشورهای اروپایی نیز در سال ۱۲۷۹ ش. / ۱۳۱۸ ق. در تهران و شهرهای بزرگ ایجاد شد و در دوره پهلوی اول، نظام نوین آموزش و پرورش عمومی توسعه بیشتری یافت و اقداماتی نیز در راستای آموزش بزرگسالان انجام شد (حکمت، ۱۳۵۵: ۳۸۰-۳۷۹ و ۱۸۳). در این دوره و در جهت ایجاد مدارس نوین در ایران بود که طی سال ۱۳۱۸ ش.، دولت آلمان مدرسه‌ای صنعتی در تهران ایجاد نمود. در دوره رضاشاه، اعزام دانشجویان به دانشگاه‌های آلمان در صدر فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی وی قرار داشت (اوحدی و حاجی‌رجبعلی، ۱۳۹۴: ۸۷۴).

می‌توان گفت در نتیجه بورس و اعزام گروهی از دانشجویان نخبه در سال ۱۹۳۰ م. توسط رضا شاه به دانشگاه‌های خارج از کشور و به‌ویژه فرانسه بود که در سال ۱۹۳۶ م. پایه و اساس ایجاد یک دانشگاه در تهران گذاشته شد (Axworthy, 2010: 224). دانشگاه تهران به‌عنوان قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین مرکز آموزش عالی کشور در سال ۱۳۱۳ ش. ایجاد شد و بیشتر مدارس عالی آن زمان مانند دارالمعلمین عالی، مدرسه حقوق و علوم سیاسی و مدرسه طب جزء آن شدند. این دانشگاه بستر اصلی ورود علوم و فنون جدید به ایران بود و استادان اولیه این دانشگاه

نیز از همان دانشجویانی بودند که در سال ۱۲۹۰ ش. برای تحصیل به اروپا رفته بودند و یا از دانشجویانی بودند که طی سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۰۷ ش. به هزینه دولت به اروپا رفته و پس از تحصیل بازگشته بودند. این دانشگاه تا پیش از ایجاد سایر دانشگاه‌های کشور به تنهایی توانسته بود به تربیت بسیاری از کادرهای متخصص فنی و علمی مورد نیاز کشور در اکثر زمینه‌ها اقدام کند (معمدی، ۱۳۹۱ ب، ۷۷-۷۴). کمیسیون تأسیس دانشگاه تهران شامل افرادی بود که تحصیل کرده مدارس نوین ایرانی یا دانشگاه‌های فرانسه و آلمان و نیز انگلیس بودند که از جمله آنها می‌توان غلامحسین رهنما معلم ریاضی دارالفنون، علی‌اکبر دهخدا فارغ‌التحصیل مدرسه علوم سیاسی، دکتر رضازاده شفق فارغ‌التحصیل رشته فلسفه و ادب از دانشگاه برلین، دکتر امیراعلم فارغ‌التحصیل رشته طب از دانشگاه لیون و دکتر لقمان‌الدوله ادهم فارغ‌التحصیل رشته طب از دانشگاه پاریس را نام برد (حکمت، ۱۳۵۵: ۳۵۵).

برای تدریس در دانشگاه تهران نیز تعدادی از اساتید آلمانی به کار گرفته شدند و از جمله ریاست دانشکده‌های کشاورزی و دامپزشکی برعهده اساتید آلمانی بود. همچنین صرف‌نظر از آموزش‌های داخل کشور، هر ساله به هزینه دولت - و نیز با هزینه شخصی - محصلین بسیاری به کشورهای اروپایی و به ویژه آلمان اعزام می‌شدند؛ زیرا مدارس داخلی برای صنعتی‌کردن ایران ناکافی به نظر می‌رسید (پیرا، ۱۳۷۹: ۱۹۵). به دلیل فضای مثبت ارتباطات سیاسی و علمی بین ایران و آلمان بود که در دانشگاه تهران، رؤسای دانشکده‌های کشاورزی دانشگاه در سال‌های ۱۹۴۰-۱۹۳۹ م. چهار دانشیار آلمانی را برای تدریس در دانشگاه استخدام نمودند (اوحدی و حاجی‌رجبعلی، ۱۳۹۴: ۸۷۴).

در طرح تأسیس دانشگاه تهران از مشاوره استادان دانشگاه‌های آمریکایی و اروپایی استفاده شد و این اقدام در نوع تدریس برخی از رشته‌ها به‌ویژه علوم سیاسی اثرگذار بود. حتی در ایجاد دانشکده‌ای با عنوان «حقوق و علوم سیاسی» و تحت‌تأثیر قرار گرفتن رشته علوم سیاسی از رشته حقوق، تأثیرپذیری از نظام آموزشی فرانسه مشخص می‌شود. در نتیجه این امر، موضوعات حقوقی و مسائل بین‌المللی در اولویت واقع شد و تحولات و مسائل سیاسی و اجتماعی ایران در مرتبه دوم قرار گرفت. این موضوع را می‌توان در مقایسه با تأسیس دانشگاه ملی در سال ۱۳۳۹ ش. و نوع دروس ارائه‌شده در این رشته و در این دانشگاه که در راستای غلبه نگرش آمریکایی در رشته علوم سیاسی بود، به خوبی درک کرد؛ زیرا در دانشگاه ملی، رشته علوم سیاسی در کنار علوم اقتصادی قرار گرفت و دانشکده‌ای نیز با عنوان «علوم اقتصادی و سیاسی» ایجاد شد که در نهایت منجر به این گردید که رشته علم سیاست در دانشگاه ملی نسبت به این

رشته در دانشگاه تهران کاربردی تر گردد (ازغندی، ۱۳۸۲: ۶۹-۴۱). می‌توان گفت تأثیرات این سیستم آموزشی، همچنان بر نوع آموزش علم سیاست در این دو دانشگاه برتر کشور حاکم است. در کنار تأسیس دانشگاه تهران، دبیرستان‌های نوینی در برخی از شهرهای ایران ایجاد شدند که در حقیقت، هسته ابتدایی دانشگاه‌های بزرگ کشور گردیدند، به گونه‌ای که در دوران پهلوی دوم، بسیاری از این دبیرستان‌های (شش کلاسه) نوین، تحول یافته و سرمنشأ ایجاد دانشگاه در شهرهای مختلف ایران شدند و از جمله آنها دبیرستان فردوسی مشهد بود که از درون آن دانشگاه فردوسی ایجاد شد و دبیرستان شاهپور شیراز که به دانشگاه پهلوی تبدیل شد و نیز دانشگاهی که از تحول دبیرستان سعدی اصفهان ایجاد گردید. در کنار این امر، دانشسراهای متعددی در شهرهای مختلف کشور ایجاد شدند که در ساخت بسیای از آنها مهندسان فرانسوی و آلمانی نقش داشتند (حکمت، ۱۳۵۵: ۲۹۳-۲۸۹). بنابراین، باید گفت که اعزام دانشجویان به فرانسه و آلمان به صورت مستقیم و غیرمستقیم در ایجاد و تحول نهاد آموزش در ایران تأثیرگذار بوده است. بالطبع با توجه به تأثیر سیستم آموزشی از مدرسه تا دانشگاه در آموزش و تربیت و پرورش نسل‌های مختلف، ماهیت این نظام از منظر فرهنگی و اندیشه‌ای بر علم، اندیشه، فرهنگ، جامعه و سیاست ایران به انحای مختلف تأثیرگذار بوده است.

احداث راه آهن و صنایع جدید در ایران

اعزام دانشجویان به آلمان و فرانسه در ورود و استقرار صنایع جدید در ایران تأثیرگذار بود. به صورت خاص در دوره پهلوی اول، متخصصین فنی و صنعتی بسیاری از کشور آلمان برای راه‌اندازی کارخانه‌های صنعتی و معادن به ایران آمدند. از جمله آنها متخصصان زمین‌شناسی، تجزیه مواد معدنی و شیمیایی و علوم حیوان‌شناسی بودند که برخی اقدامات آنها راه‌اندازی و نوسازی کارخانجات ایران بود. برای آگاهی از میزان همکاری و مشارکت آلمانی‌ها در راه‌اندازی صنایع و کارخانجات ایرانی می‌توان به فهرست منتشر شده توسط وزارت معارف از مؤسسات صنعتی ایران که توسط آلمانی‌ها تا نیمه سال ۱۳۱۵ ش. ایجاد شده‌اند، اشاره نمود. طبق این فهرست، ۴۸ کارخانه به کمک آلمانی‌ها و تعدادی محدود نیز از طریق مشارکت آنها با فرانسوی‌ها و سایر کشورهای اروپایی در ایران ایجاد شد. کارخانجاتی از قبیل کبریت‌سازی، ریسندگی و بافندگی، صابون‌سازی، روغن‌کشی، بلورسازی، آرد و ماکارونی‌سازی، چرم‌سازی، کشفافی و جوراب‌بافی، قوطی و حلبی‌سازی و مواد شیمیایی. از این رو، می‌توان گفت که مبنای صنایع جوان ایران را ماشین‌آلات آلمانی تشکیل می‌دادند، به طوری که در سال‌های آخر

دهه سی میلادی، آلمان ۵۵ درصد از ماشین آلات صنایع نساجی و صنایع سبک ایران را در انحصار داشت (پیرا، ۱۳۷۹: ۲۰۰-۱۹۷).

یکی از نتایج غیرمستقیم اعزام دانشجو در حوزه فناوری، ایجاد راه آهن در ایران بود که ساخت آن توسط آلمانی ها در فروردین سال ۱۳۰۷ آغاز شد. در پروژه فوق، ایرانیانی که در این زمینه آموزش دیده بودند نیز با آلمانی ها همکاری می کردند، زیرا مجلس در خرداد سال ۱۳۰۷ قانونی را برای پرداخت مخارج اعزام محصل به اروپا به منظور فراگیری علوم راه آهن و معادن ذوب آهن تصویب نمود. در شهریور ۱۳۰۸ نیز بنگاه راه آهن عده ای از فارغ التحصیلان مدرسه صنعتی آلمان و تعدادی افراد دیگر را به آلمان فرستاد. در سال ۱۳۱۷ ش. نیز عده ای دیگر برای فراگیری رشته های تخصصی مربوط به مکانیک لکوموتیو به آلمان فرستاده شدند. در دهه نخست قرن چهاردهم شمسی نیز در نتیجه قرارداد ایران با شرکت های بزرگ آلمانی، دولت توانست شبکه راه آهن را گسترش دهد و لکوموتیو و واگن های مورد نیاز را از کارخانجات آلمانی تأمین کند (پیرا، ۱۳۷۹: ۱۸۵-۱۸۴).

آلمانی ها در ایجاد و گسترش بانک ملی در سال ۱۳۰۷ ش. نیز نقش مؤثری داشتند. از طرف دیگر، نیاز ایران به اخذ مشاوره و مشارکت نیروهای متخصص در برنامه های صنعتی، شهرت و اهمیت ماشین آلات و صنایع آلمان و امکان استخدام متخصصین فنی آلمانی با درآمدهای مناسب، زمینه همکاری هر چه بیشتر ایران و آلمان را در صنعتی کردن کشور فراهم نمود. به صورت کلی، ایران برای برنامه صنعتی کردن کشور در بخش های آموزشی و صنعتی از متخصصین آلمانی بهره گرفت و تأسیس مدارس صنعتی متعدد آلمان در شهرهای تهران، اصفهان، تبریز، مشهد و شیراز در دهه ۱۳۱۰ شمسی از دیگر اقدامات آلمانی ها در ایران است. در بسیاری از این مدارس، شاگردان ایرانی فنون داروسازی، آهنگری، درودگری، مکانیک و سایر حرفه ها را آموزش می دیدند (پیرا، ۱۳۷۹: ۱۹۴-۱۹۲) و این در حالی است که از بین دانشجویان اعزامی که در زمان رضاشاه به ایران بازگشتند، بیش از پنجاه درصد از آنها در موقعیت های برجسته اداری به کار گرفته شدند. برخی به مؤسسات آموزش عالی از جمله دانشگاه تازه تأسیس تهران که برای ادامه فعالیت نیاز به اساتید تحصیل کرده خارجی داشت، پیوستند و در عین حال تعدادی از این افراد نیز به صورت حرفه ای شغل روزنامه نگاری را دنبال کردند (Boroujerdi, 2005: 145). بعد از جنگ جهانی دوم، ارتباطات علمی ایران و آلمان به نسبت فرانسه افزایش بیشتری یافت. این امر از یک سو ناشی از نوع جهت گیری حاکم بر نظام سیاسی ایران بود که به سمت اتحاد با غرب و به ویژه آمریکا حرکت می کرد. جایگاه زبان

انگلیسی در کشور ارتقا یافت و آمریکا جای کشورهایمانند فرانسه و حتی انگلستان را گرفت، اما به دلیل جایگاه بالای صنعتی آلمان، همچنان ارتباطات علمی با این کشور تداوم یافت که پیامد آن، ورود بیشتر فناوری و صنعت آلمان به ایران بود.

ورود معماری غربی، شهرسازی مدرن و هنرهای جدید به ایران

از پیامدهای تحصیل ایرانیان در اروپا و به صورت خاص فرانسه و آلمان و نیز افزایش تبادلات علمی- فرهنگی بین ایران و اروپا، تشدید ورود معماری غربی و شهرسازی مدرن به ایران بود؛ روندی که از زمان ناصرالدین شاه قاجار و از نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی (۱۲۷۶-۱۲۲۷ ش./ ۱۸۹۷-۱۸۴۸ م.) آغاز شد. تا پیش از این تاریخ، معماری ایران همواره از سنت، الگو می‌گرفت. از زمان ناصرالدین شاه، با سفر وی و درباریان به فرنگ، دربار ایران شیفته فرهنگ غربی شد و شخص شاه نیز علاقه زیادی به خاندان سلطنتی اروپا، تفریحات و نیز ساختمان‌های اروپایی پیدا کرد. در این زمان است که کاخ‌ها و بناهای حکومتی، اولین ساختمان‌هایی بودند که تحت تأثیر مدرنیزاسیون قرار گرفتند و تغییرات شدیدی را تجربه کردند. در این دوره، نمادهایی از تاریخ‌گرایی مغرب‌زمین وارد ایران شد؛ البته این تاریخ‌گرایی در معماری ایران جنبه تقلیدی داشت (رضایی نبی و صالحی‌تبریزی، ۱۳۹۲: ۱۶-۹).

اعزام دانشجویان به غرب که به آشنایی نزدیک با کشورها، اندیشه‌ها و فنون جدید اروپایی انجامید، از اواسط قرن نوزدهم میلادی به این سو شدت یافت که این امر پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی را به همراه داشت و در معماری و شهرسازی نقاط مختلف ایران به انحای مختلف نمود یافت. در این دوره جهت شبه‌مدرن کردن ایران تلاش شد تا خرده‌مدل‌های نمایشی که نشان‌دهنده همگونی جامعه ایرانی با جوامع اروپایی بود، خلق شود. از آنجا که جایگاه شبه‌مدرنیسم، جامعه شهری است، پس نتیجه آن از یک طرف ایجاد کارخانجات برای مصارف داخلی، تحول در بافت شهرها، ایجاد خیابان‌ها، تحول در نوع و نحوه ساختمان‌ها و از طرف دیگر ایجاد مؤسسات اداری (ثبت، شهرداری، نظمیه)، تحول در ایجاد ارتش جدید، خدمات آموزشی و توسعه سریع فضای کالبدی شهرها بود. در این میان، شهر تهران با پیشینه‌ای اندک نسبت به سایر شهرهای بزرگ کشور به‌گونه‌ای شتاب‌آلود توسعه یافت و در ساختار و بافت داخلی آن تحولات اساسی صورت پذیرفت و به‌عنوان ابرشهر یا شهر مسلط و نیز پل ارتباطی با جهان خارج و داخل عمل کرد و بر کلیه ساختارهای داخلی شهرهای کشور و روستاها تأثیر گذاشت. از این رو، بررسی چگونگی تحولات اجتماعی- فرهنگی ناشی از انقلاب صنعتی

(مدرنیسم)، در سیر تحولات شهر تهران از اهمیت فراوانی برخوردار است. در دوره ناصرالدین شاه به منظور آغاز تحولات برون‌زای ناشی از هجوم سرمایه‌داری به ایران، صنایع نوپا در شهر تهران ایجاد گردید. در دوره بعدی و عصر رضاخان، توسعه فضای تهران که از سال ۱۳۰۱ ش. آغاز شده بود، ادامه یافت و عناصر شهری در نظام سیاسی و اقتصادی کشور قدرت زیادی پیدا کرد و تهران به عنوان مرکز سیاسی در رأس هرم قرار گرفت. در راستای اجرای نظریه نوسازی به مفهوم اروپایی آن، وضع و اجرای قوانین مشتمل بر قانون بلدیه (۱۳۰۹ ش.)، قانون توسعه معابر (۱۳۱۲ ش.) و ایجاد خیابان‌های جدید مانند شاهرضا (انقلاب)، سی‌متری نظامی (کارگر) و شوش انجام شد. در سال ۱۳۱۶ ش. مطابق نظریه مدرنیست‌ها و تحت نظر مستشاران خارجی، نقشه جدید شهر تهران مبتنی بر بافت شطرنجی و منطقه‌بندی خشک تهیه شد. در این دوره ساختمان‌های اداری جدید از قبیل موزه ایران باستان و وزارت امور خارجه به وجود آمدند. در دوره پهلوی اول، توسعه فضای تهران تحت تأثیر اندیشه شبه‌مدرنیسم آغاز شد؛ تفکری که ریشه در برداشتی سطحی و غیرعمیق از مدرنیسم، فلسفه، فرهنگ و سیاست اروپا داشت. به‌طور کلی سبک‌های معماری در شهر تهران در دوره رضاشاه عبارت بودند از:

- الف) سبک بیانگر مجد و عظمت ایران گذشته مانند ساختمان بانک ملی و موزه ایران باستان
- ب) سبک آلمانی (مدرنیسم) مانند ساختمان دارایی، دادگستری، راه آهن و دانشگاه تهران
- ج) سبک دوران باروک مانند خیابان شاه (جمهوری اسلامی)، چهارراه استانبول و مجدالدوله (زیاری، ۱۳۸۲: ۱۵۷-۱۵۱).

ارتباط نزدیک ایران و آلمان در دوره رضاشاه و فعالیت مهندسان آلمانی در آن مقطع زمانی در ایران و همچنین بازگشت فارغ‌التحصیلان ایرانی از آن کشور، باعث شد که بسیاری از ساختمان‌های دولتی به شیوه رمانتیسم ملی اروپایی که در آن زمان در آلمان گسترش یافته بود، ساخته شوند (میری‌نژاد، ۱۳۹۲: ۹۶). بنابراین، نفوذ آلمانی‌ها در معماری ایران دوره رضاشاه نیز جالب توجه بود. بعد از دیدار پروفسور فریتس هوگر^۱ از تهران در سال ۱۳۱۶ ش./ ۱۹۳۷ م. گرایش ایران به معماری آلمان بیش از پیش شد و بزرگ‌ترین نماد این نفوذ، ساخت ایستگاه راه‌آهن تهران در مساحتی بیش از ۳۴۰۰ مترمربع است (اوحدی و حاجی‌رجبعلی، ۱۳۹۴: ۸۷۴). آلمانی‌ها در این دوره در زمینه معماری صنعتی نیز در ایران ایفای نقش نمودند که در این خصوص می‌توان به ایجاد کارخانه‌های صنعتی در کشور اشاره کرد؛ بناهایی که همانند فضاهای مدرن هم‌عصرشان چهره برخی از شهرهای ایران را نوین و صنعتی نمودند. از

^۱. Fritz Höger

این منظر، دوره پهلوی اول به دوره شکوفایی معماری صنعتی موسوم است. ساختمان‌های این دوره را مهندسان اروپایی به‌ویژه آلمانی‌ها طراحی کردند و از جمله می‌توان به طراحی و احداث اولین کارخانه ذوب‌آهن ایران در کرج، کارخانه دخانیات در تهران و کارخانه ریسبافی در اصفهان اشاره نمود. آلمانی‌ها در این مقطع زمانی از سه طریق بر معماری ایران تأثیر گذاشتند که عبارتند از: افزایش کیفیت ساخت و تحول در روند معماری سنتی ایران از طریق به‌کارگیری مصالح نوین؛ طراحی عملکردهای جدید و زیبایی‌شناسی و نمادپردازی (میرزاحسینی، ۱۳۹۸: ۵۸-۵۳).

دوره سوم توسعه فضای شهر تهران در دوره پهلوی دوم شروع شد. مدرنیسم توسط دانش‌آموختگان اروپایی به‌عنوان الگوی نوین توسعه فضایی در مجموعه‌های مسکونی تهران پارس، نازی‌آباد، یوسف‌آباد، نارمک و منظریه مورد استفاده قرار گرفت. شهر تهران پس از سال ۱۳۳۲ ش. به‌شدت توسعه یافت و با رشد شتابان تهران، شهرهای اقماری دیگری از قبیل شهریار، پیشوا، اشتهارد، قرچک و اسلام‌شهر به منظومه شهرهای تهران پیوستند. در دوره چهارم که مترادف با دوره استقرار جمهوری اسلامی است، الگوهای مدرنیسم در توسعه فضایی تهران تأثیرگذار بود که با توجه به مسائل دیگر از قبیل هجوم مهاجران جنگ تحمیلی و ساختار ضعیف اقتصادی مناطق، منجر به گسترش روزافزون محدوده این شهر شد و از تحولات اجتماعی و فرهنگی ناشی از انقلاب صنعتی تحت‌عنوان مکتب مدرنیسم، بیشترین تأثیر را پذیرفت (زیاری، ۱۳۸۲: ۱۶۳-۱۵۷). می‌توان گفت که تغییر در معماری و ورود معماری غربی و شهرسازی مدرن به ایران از نتایج غیرمستقیم اعزام محصل به اروپا بود.

فراتر از معماری خاص تهران به‌عنوان پایتخت، یکی از مسائل مهم که در طرح‌های معماری آلمانی‌ها در ایران دوره پهلوی اول وجود داشت، این بود که طراحی ساختمان‌های حکومتی به‌گونه‌ای انجام می‌گرفت که مشروعیت سیاسی رژیم پهلوی اول با کمک عناصر باستان‌گرا افزایش یابد. در جهت ترویج مضامین و فرهنگ باستانی در ایران، باستان‌شناسان آلمانی و استادان تاریخ این کشور، از مضامین و الگوهای باستانی در طراحی و احداث بناهای متعدد در ایران به‌ویژه بناهای اداری از قبیل شهرداری‌ها و بانک‌ها بهره‌گیری نمودند. همچنین در این بناها بر عظمت فرهنگ ایران باستان و شکوه و برتری آن و استفاده از نمادپردازی‌های مستقیم و غیرمستقیم متعدد به‌منظور بیان ایدئولوژی حکومت تأکید می‌شد. برای نمونه می‌توان به بهره‌گیری از تصاویر و نمادهای باستانی تخت‌جمشید در ساختمان بانک ملی اشاره کرد. (میرزاحسینی و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۴-۶۰). حضور باستان‌شناسان بزرگ آلمانی

مانند زاره^۱ و هرتسفلد^۲ و کرفت^۳ در تخت جمشید و انجام حفاری‌های متعدد (اوحدی و حاجی‌رجبعلی، ۱۳۹۴: ۸۷۴) نیز در راستای تأکید بر این امر بوده است. بنابراین، یکی از تأثیرات غیرمستقیم ارتباطات فرهنگی ایران و آلمان، ورود نمادهای باستانی به معماری ایرانی ناشی از تأکید بر باستان‌گرایی توسط دولت بود.

هنر نقاشی ایران نیز از موضوع اعزام محصل به اروپا تأثیر پذیرفت. در دوره صفویه، شاه عباس به علت علاقه به نقاشی اروپایی، خود نزد دو نقاش هلندی به آموزش پرداخت و همین پادشاه بود که در این دوره، اقدام‌کننده در زمینه اعزام دانشجو به خارج محسوب می‌شود، زیرا در زمان وی تعدادی از جوانان ایرانی برای فراگیری نقاشی به رم فرستاده شدند که یکی از آنها به مسیحیت گرایش پیدا کرد و نام پائولو را برای خود انتخاب کرد. میزان تأثیر این فرد در نقاشی ایرانی به آن حد بود که سبک و شیوه وی موجب تحول در سبک ایرانی شد (حاضری، ۱۳۷۲: ۲۷-۲۵). در دوره قاجار نیز علاوه بر علوم پایه، هنرهایی مانند عکاسی، نقاشی، تئاتر و موسیقی از اروپا اقتباس گردید و یکی از درس‌هایی که در دارالفنون تدریس می‌شد، عکاسی و نقاشی بود. کمال‌الملک (محمد غفاری کاشانی) نقاش معروف ایرانی در دارالفنون تحصیل کرد و در این هنر به مرتبه بالایی رسید و مدرسه صنایع مستظرفه را در سال ۱۲۲۹ ق. تأسیس نمود، در این مدرسه نیز مجسمه‌سازی، منبت‌کاری و قالی‌بافی آموزش داده می‌شد (معتمدی، ۱۳۹۱ الف: ۶۹). بنابراین، اعزام محصل به اروپا تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی بر ابعاد مختلف معماری و هنر ایران گذاشت که مهم‌ترین نموده‌های آن را می‌توان در دوران پهلوی اول و دوم به‌خوبی مشاهده کرد. اکنون نیز غلبه معماری غربی بر شهرسازی و معماری شهرهای مختلف ایران هم‌چنان آشکار است.

فرهنگ، نهادها و ساختار سیاست در ایران

گرچه نیاز به اعزام محصل برای تحصیلات عالی در خارج از کشور به دلیل شرایط خاص سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران بود، اما باید گفت که در این مسیر کشورهای میزبان دانشجویان یعنی فرانسه و آلمان نیز ساکت و بی‌تفاوت نظاره‌گر این فرآیند نبودند و با استفاده از اهرم‌های مختلف به‌دنبال گسترش نفوذ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خود در ایران برآمدند و ابزار آنها نیز در ابتدا برخلاف کشورهایی مانند انگلیس و روس، ابزار فرهنگی

^۱. Sarre

^۲. Herzfeld

^۳. Krefter

بود. اعزام دانشجویان به کشورهای غربی، تأثیرات متعددی بر عرصه فرهنگ، سیاست و اجتماع ایران گذاشت که در ادامه بیان خواهد شد.

ورود مفاهیم مدرن، گسترش نوگرایی و استقرار نهادهای مدرن در ایران

بسیاری از مفاهیم از قبیل آزادی توسط روشنفکران عصر ناصرالدین شاه از اروپا وارد ایران شد. به اعتقاد فریدون آدمیت، افرادی مانند ملکم خان و مستشارالدوله اندیشه‌های نو را مستقیماً از حکمای فرانسه گرفتند و مهم‌ترین اصول دموکراسی یعنی شناسایی اراده ملت به‌عنوان منشأ قدرت دولت، سکولاریسم و انفصال قوا را از متفکران فرانسه اخذ نمودند (سلیمانی‌دهکردی و رفعتی، ۱۳۹۳: ۷۰). یکی از مهم‌ترین تأثیرات اعزام محصل به اروپا و از جمله فرانسه و آلمان، ورود مفاهیم مدرن به ایران و افزایش بیداری اجتماعی در بین ایرانیان و ایجاد جنبش‌های اجتماعی مانند جنبش عدالت‌خانه و نهضت مشروطیت بود که به ایجاد و استقرار نهادهای قانونی و تغییر در ساختارها و نهادهای سیاسی ایران منجر شد.

شکل‌گیری ذهنیت عقب‌ماندگی در ایران و پاسخ به آن از زمان انقلاب مشروطه و حتی قبل از آن، از دوره شکست ایرانیان در جنگ با روس‌ها به یکی از دغدغه‌های بزرگ جامعه و نیروهای فکری و سیاسی ایران تبدیل شد. پاسخ‌های متفاوت و متعارض هر یک از آنها به این مسأله که برای نخستین بار در تدوین قانون اساسی و استقرار نهادهای مدرن مانند پارلمان پس از پیروزی مشروطه نمودار گردید، به آشفتگی‌های بسیاری دامن زد و مانع پیشرفت کشور شد. روشنفکران که برای نخستین بار از طریق آشنایی با دنیای جدید، سبب شکل‌گیری ذهنیت عقب‌ماندگی ایران در مقایسه با غرب شدند، با طرح و اجرای مسائل جدید پس از مشروطیت، جامعه ایران را به قطب‌های فکری مختلف تبدیل ساختند که به رویارویی‌های سنت و تجدد انجامید. روشنفکران ایرانی قبل از انقلاب مشروطه، از طریق رهبری فکری جامعه و نیروهای سیاسی وارد عرصه عمل شده و پس از پیروزی مشروطه نیز رهبری سیاسی جامعه را به‌دست گرفتند و بعدها با تشکیل دولت پهلوی در صدد مدرن‌سازی کشور برآمدند (رهبری، ۱۳۸۶: ۵۵).

روشنفکران ایرانی متمایل به غرب که تحصیل کرده اروپا بودند، پهلوی اول را در شبه‌مدرن نمودن ایران همراهی کردند. رضا شاه که به‌منظور تحکیم پایه‌های قدرت خویش به اصلاحاتی از قبیل ایجاد ارتش نوین، اصلاح نظام اداری و ایجاد بوروکراسی نوین دولتی و اصلاح نظام قضایی کشور اقدام نمود، در این مسیر از تحصیل‌کردگان غرب بهره برد، از جمله این افراد علی‌اکبر داور، حقوقدان تحصیل‌کرده سوئیس و وزیر عدلیه بود که نسبت به اصلاح نظام حقوقی

و قضایی در ایران اقدام کرد. داور با اقداماتی از قبیل وارد کردن حقوق مدنی فرانسه و حقوق جزای ایتالیا به نظام حقوقی کشور و تغییر در تشکیلات دادگستری این کار را انجام داد (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۱۷۶-۱۶۹).

در تبیین چگونگی تأثیرگذاری اعزام محصل بر آشنایی با مفاهیم مدرن می‌توان به نتایج حضور دانشجویان اعزامی به غرب در زمان رضا شاه اشاره کرد که منجر به آشنایی نزدیک آنان با مفاهیم سیاسی غربی نظیر دموکراسی، نمایندگی، جمهوریت و سوسیالیسم شد. در حقیقت، تجربه دانشجویان ایرانی در کشورهایی مانند آلمان، زمینه لازم را برای بسیاری از فعالیت‌های سیاسی در مخالفت با رژیم پهلوی اول پدید آورد. دانشجویان ایرانی در آلمان، سازمان‌هایی از قبیل «کمیته انقلابی جمهوری خواه فارسی^۱»، «امید ایران^۲» و «ایران^۳» را ایجاد کردند و از این طریق نسبت به انتشار مجلات و برگزاری کنفرانس‌ها و فعالیت‌های سیاسی دارای ماهیت انتقادی نسبت به رژیم ایران اقدام نمودند. برخی از این افراد از قبیل تقی ارانی و بزرگ‌علوی بعدها در تأسیس حزب کمونیست ایران نقش داشتند. این امر منجر به این شد که اعزام دانشجویان به‌طور ناخواسته پیش‌شرط‌های لازم را برای ظهور نیروهای اپوزیسیون در ایران فراهم نماید (Boroujerdi, 2005: 145-147).

از آنجا که برای رضا شاه، غرب نشانه سکولاریسم بود، وی خواستار یادگیری محصلین اعزامی به خارج در زمینه وفاداری به دولت سرزمینی و میهن‌پرستی، علوم کاربردی و عقلانیت ابزاری بود اما نمی‌خواست آنها چیزی در مورد آزادی یاد بگیرند (Rajaei, 2007: 53-54). علی‌رغم خواسته رضا شاه و محمدرضا پهلوی، بسیاری از دانشجویان اعزامی به خارج از کشور با ایجاد انجمن‌های دانشجویی و اقدامات متعدد سیاسی زمینه‌های ایجاد بیداری در بین ایرانیان و به صورت خاص تقویت امواج انقلاب اسلامی را در درون و بیرون از ایران فراهم کردند.

تأسیس مدارس آلیانس فرانسه (وابسته به نهادهای با همین نام در آن کشور) در ایران نیز نقش زیادی را در گسترش زبان و فرهنگ فرانسه ایفا نمود، زیرا فرانسه برای نفوذ در ایران و در رقابت با دو قدرت استعماری روس و انگلیس، راهبرد فرهنگی را اتخاذ کرده بود. یکی از کارکردهای مدارس آلیانس پرورش افراد نام‌آوری مانند میزا آقاخان کرمانی، صادق هدایت، محمدعلی جمالزاده، پروین اعتصامی و نیما یوشیج بود. این امر در حالی بود که این مدارس در سال‌های آغازین قرن بیستم توانستند حدود صد نفر از دانش‌آموختگان خود را در سازمان‌ها

^۱. Persian Republican Revolutionary Committee

^۲. Iran's Hope' (Umid-i Iran)

^۳. Iran

و ادارات مختلف ایران به کار بگمارند. یکی دیگر از کارکردهای آلیانس، تأثیر آن بر جنبش مشروطه‌خواهی بود، زیرا بیشتر نوشته‌هایی که در این جنبش از زبان فرانسه به فارسی برگردانده می‌شد، به کوشش شاگردان آلیانس و دیگر مدارس فرانسوی‌زبان بود (سلطانیان، ۱۳۹۱: ۱۲۸-۱۱۹). حضور آموزش‌دیدگان از غرب چه به صورت مستقیم؛ یعنی محصلین اعزامی به غرب و چه به صورت غیرمستقیم؛ یعنی تحصیلکردگان مدارس نوین و غربی در ایران بر فرهنگ، ادبیات، اجتماع و حتی سیاست ایران تأثیرگذار بود. اهمیت این امر را می‌توان در توجه جامعه ایران به نوشته‌های افرادی مانند نیما یوشیج به دلیل ایجاد سبک شعر نو، اشعار پروین اعتصامی و نیز داستان‌های صادق هدایت مشاهده نمود.

بسیاری از روشنفکران لیبرال‌دموکرات عصر مشروطه نیز که اغلب تحصیلکردگان ایرانی در اروپا بودند، با ملاحظه سیستم سیاسی غرب به خصوص فرانسه و انگلستان که نظام سلطنت مشروطه در آن تنها نماد وحدت و تاریخ و هویت است و امور مملکت توسط مردم و احزاب در چارچوب منافع ملی مدیریت می‌شود، به این نتیجه رسیدند که تنها در صورتی می‌توان پیشرفت کشور را در مسیری درست همانند غرب هدایت نمود که مشروطیت به معنای واقعی خود یعنی سلطه مشروطه تحقق یابد. از این رو جامعه برای پیشرفت، نیازمند آزادی بیان، رقابت میان گروه‌ها و احزاب، شکل‌گیری مجلس، تفکیک قوا و دموکراسی است. این اشخاص همان افرادی بودند که با هدف قرار دادن استبداد و شخص شاه به‌عنوان عامل عقب‌ماندگی ایران، اندیشه‌های مشروطیت و مجلس‌خواهی را به میان مردمان ناراضی و معترض انتقال دادند (رهبری، ۱۳۸۶: ۶۲-۶۱). بنابراین، از جمله تأثیرات غیرمستقیم اعزام محصل به غرب و نیز تحصیل ایرانیان در مدارس نوین مانند دارالفنون، گسترش نوگرایی و ظهور طبقات روشنفکر در ایران بود که موجب انتقال افکار جدید و آشنایی جامعه با مفاهیمی مدرن مانند آزادی، دموکراسی، قانون، پارلمان و انتخابات گردید و به افزایش سطح آگاهی مردم، بروز انتقاد اجتماعی و وقوع جنبشی مانند مشروطیت در ایران منجر شد. گسترش مدارس جدید در ایران و عمومی‌شدن آموزش و پرورش و در مراحل بعدی آن، ایجاد دانشگاه در عصر پهلوی، موجب افزایش شناخت و آگاهی بیشتر سیاسی-اجتماعی اقشار مختلف جامعه ایرانی شد و زمینه گسترش انتقاد از وضع موجود و اعتراض به استبداد داخلی، استعمار و وابستگی خارجی را فراهم نمود که از جمله نمودهای آن، مشارکت بسیاری از مردم در نهضت ملی‌شدن صنعت نفت و در دهه‌های بعدی، قیام پانزده خرداد و سرانجام انقلاب اسلامی بود. این امر از جمله

نتایج غیرمستقیم تبادلات علمی و فرهنگی بین ایران و غرب بود که بر ساختار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور به اشکال مختلف اثر گذاشت.

بدین جهت است که هومر بارنت معتقد است که تحصیل در خارج از کشور (به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه) و کسب تجربه در محیط‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دیگر به‌عنوان محرکی قدرتمند در ایجاد تغییرات اجتماعی و زمینه‌ساز توسعه سیاسی (و حتی تغییر ساختارهای سیاسی و نیز کسب استقلال) در کشورهای مبدأ محسوب می‌گردد. این امر در خصوص کشورهای مختلف در حال توسعه و رهبران آفریقایی از قبیل نکرومه و آزیکیو و نیز رهبران آسیایی مانند هوشی مین^۱، چوئن لای^۲، و چن یی^۳ در هنگام تحصیل در فرانسه مصداق عینی داشته است (Fry, 1984: 204). البته در ایران نیز تحصیل افرادی مانند بازرگان و شریعتی در غرب به افزایش تحرک سیاسی و اجتماعی در ایران پیش از انقلاب در اشکال مختلف کمک کرد.

گسترش نوگرایی و ظهور روشنفکران طرفدار و منتقد غرب در ایران

اعزام افراد برای تحصیل به غرب، تأثیرات متعددی بر فرهنگ و اجتماع و سیاست ایران بر جای گذاشت. این امر ناشی از تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم فرهنگ و ارزش‌های غربی بر جامعه ایران بود. اروپا در اواسط قرن نوزدهم میلادی از یک دوران طلایی بهره‌مند شد، کسب دستاوردهای قابل توجه در زمینه علم و فناوری، سرمایه داری و پوزیتیویسم از جمله دلایل اصلی این پیشرفت‌ها بود و در این بین ملت‌ها در سراسر جهان تحت استعمار چندین کشور غربی بودند. از این رو، تمدن با تمدن غربی معادل شده بود و بسیاری از افراد، چاره کار را تقلید از غرب می‌پنداشتند. در چنین شرایطی، ایرانیان طی جنگ با روسیه، به‌صورت عینی با تمدن غربی مواجه شدند و این در حالی بود که بسیاری از جوامع شرقی از جمله ایران مدت‌ها با غرور و افتخار در مورد خود و دستاوردهای معنوی خودشان صحبت می‌کردند و خود را بزرگ‌ترین قدرت‌ها از نظر توانایی و تمدن می‌دانستند، اما زمان به‌تدریج این باورها را تغییر داد. آنها نخست مجبور به پذیرش غرب به‌عنوان قدرت برابر و سپس نیروی برتر شدند. در این مدت، هیچ فلسفه منسجم برای مقابله با گسترش و توسعه غرب وجود نداشت. همه ایرانیان خواستار یک قدرت نظامی برای جبران شکست‌های نظامی گذشته خود شدند و جهت ایجاد یک نیروی نظامی کارآمد، نیاز به ایجاد برخی صنایع نظامی و اصلاح بوروکراسی داشتند. از این رو

^۱. Ho Chi Minh

^۲. Chou En-Lai

^۳. Chen Yi

بود که دوره اعزام دانشجویان به اروپا برای تحصیل علوم و نیز علم اداره حکومت شروع شد. بعدها این حضور و نیز تعامل با روشنفکران سایر کشورهای پیرامون ایران، منجر به ظهور گروهی از روشنفکران و اصلاح طلبان اجتماعی- فرهنگی از سیدجمال اسدآبادی گرفته تا ملکم‌خان (به‌عنوان یکی از محصلان اعزامی به فرانسه)، علی‌اکبر دهخدا و سید حسن تقی‌زاده گردید و این امر در نهایت منجر به ایجاد رنسانس سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در ایران شد. البته در بین روشنفکران ایرانی در خصوص نگاه به غرب و مدرنیته، گرایش‌های مختلفی وجود داشت که از شیفتگی و تقلید تا انتقاد و حتی طرد و نفرت را در بر می‌گرفت (Behnam, 2003: 4-9).

در مورد تأثیر اعزام دانشجویان به غرب بر فرهنگ و سیاست ایران و ظهور طبقات مختلف روشنفکری در کشور باید گفت که نگاهی به رشته‌های تحصیلی و محل تحصیل ۴۱۶ نفر از وزیران وزارتخانه‌های مختلف از ابتدای مشروطیت تا سال ۱۳۵۳ ش. نشان‌دهنده این امر است که بیش از ۷۵٪ وزیران، تحصیل کرده خارج از کشور بوده‌اند. در مورد نوع رشته تحصیلی نیز باید گفت که ۶۵٪ آنها در رشته‌های علوم انسانی، ۱۲٪ در پزشکی، ۱۲/۵٪ در علوم پایه و فنی و مهندسی و ۱۱٪ در علوم نظامی تحصیل کرده‌اند. تحلیل آماری از این دست نشان‌دهنده این است که عالی‌ترین سیاست‌گذاران و مدیران کشور در آن زمان، در مقیاسی وسیع به جای آنکه از غرب، فن و تکنیک و صنعت آموخته باشند، بیشتر فکر، فرهنگ، بینش و جهان‌بینی غربی را تحصیل نموده‌اند (حاضری، ۱۳۷۲: ۶۹-۶۷) که این امر در سیاست‌گذاری در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در ایران تأثیرگذار بود. سیاست‌هایی که ابعاد و سطوح مختلفی را در بر می‌گرفت؛ از تقلید سطحی از غرب و غربی‌نمودن ظاهری جامعه ایران گرفته تا پی‌ریزی نهادها و ساختارهای مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در ایران. این امر بر تفکر و فرهنگ، سبک زندگی افراد، سیاست و اقتصاد ایران و حتی جهت‌گیری‌های سیاسی در خارج از کشور نیز تأثیرگذار بود که به نزدیکی بیش از پیش سیاست دولت ایران با غرب و دولت‌های مختلف غربی در این ادوار انجامید.

در مقابل عده‌ای از تحصیل‌کردگان غرب که شیفته فرهنگ غرب شدند، طیف‌های دیگر روشنفکری نیز وجود داشت. فرستادن دانشجویان به اروپا توسط دولت ایران برای تحصیلات عالی برخلاف تصور دولتمردان ایرانی به نارضایتی بسیاری از آنها و تبدیل شدن به منتقدان و حتی مخالفان حکومت قاجار و پهلوی انجامید؛ زیرا این دانشجویان جوان با مشاهده وضعیت کشورهای اروپایی از نظر فناوری و رونق مادی، آن را با عقب‌ماندگی و فقر ایران مقایسه می‌کردند و در مواقعی آنها به مدرنیست‌هایی رادیکال‌تر از شاه تبدیل می‌شدند. به‌ویژه آنها در زمان رضاشاه با مشاهده

فضای نسبتاً باز جوامع اروپایی و اختناق دولت استبدادی در ایران، جذب جنبش‌های سوسیالیستی و کمونیستی در اروپا شدند و این مارکسیست‌های جوان ایرانی، مدرنیست‌هایی دارای آگاهی اجتماعی بودند که خواستار صنعت، فناوری جدید و رهایی ایران از فقر و اختناق گردیدند؛ امری که سرانجام منجر به مقابله حکومت پهلوی اول با آنها شد (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۷۱-۱۶۹). افزایش آگاهی اجتماعی ایرانیان ناشی از اعزام دانشجو به اروپا در دوره پهلوی دوم نیز تداوم یافت.

یکی از تأثیرات اعزام محصل به خارج از کشور در دوره پهلوی، ظهور روشنفکران منتقد و یا مخالف وضع موجود مملکت بود که برخی از آنها تأثیرات وسیعی در ایجاد جریان‌های دینی و سیاسی ضد رژیم داشتند. در این رابطه، یکی از دانش‌آموزان اعزامی به خارج از کشور در زمان رضاشاه، مهدی بازگان بود. از نظر وی حضورش در غرب، در پایداری تفکرات مذهبی و پیشرفت فکری‌اش تأثیرگذار بود. بازگان بعدها اعلام کرد که طی این مدت، ایمان و دلبستگی‌اش به اسلام افزایش یافته است (Rajaei, 2007: 53-54). او که در سال ۱۳۰۷ ش. در امتحان اعزام به خارج شرکت کرده و با کسب نمره عالی همراه اولین گروه دانشجویان ایرانی عازم فرانسه شده بود، در فرانسه علاوه بر تحصیل و کارآموزی در رشته‌های صنعتی و ترمودینامیک و نساجی به فعالیت‌های علمی، فکری و اجتماعی نیز پرداخت و در سال ۱۳۱۳ ش. به ایران بازگشت. او سپس در مشاغل دانشگاهی دانشگاه تهران قرار گرفت و ضمن ایفای نقش در فعالیت‌های سیاسی علیه رژیم پهلوی، در دوران پیروزی انقلاب اسلامی ضمن عضویت در شورای انقلاب، در ۱۶ بهمن ۱۳۵۷ با حکم امام خمینی (ره) مأمور تشکیل دولت موقت گردید و سرانجام در آبان ۱۳۵۸ استعفا داد (معزی‌نیا، ۱۳۸۵). بازگان از اعضای اصلی تشکیل‌دهنده نهضت آزادی و ایدئولوگ آن بود؛ تشکلی که به دنبال آن بود که با روش‌های پوزیتیویستی و علم‌گرایانه غربی به تفسیر مفاهیم دینی بپردازد اما با محدود کردن نگاه خود به تجربه بشری و عقل‌ابزاری، به سکولاریسم و لیبرالیسم پناه برد و دچار برداشتی التقاطی از اسلام گردید (مولوی‌وردنجانی و ارجینی، ۱۳۹۷: ۱۷۷، ۱۹۹). از این رو، اهمیت بازگان به عنوان فردی تحصیلکرده در فرانسه از آن جهت است که وی ضمن تأسیس یک حزب سیاسی به نام "نهضت آزادی"، از طریق آثار مکتوب خود بر خط‌مشی سایر جریان‌های سیاسی مانند سازمان مجاهدین خلق و تفکرات ایدئولوژیک آنها و نیز جریان‌های ملی-مذهبی پس از انقلاب تأثیر گذاشت. حضور بازگان و امثال وی در غرب، در نوع جهت‌گیری فکری و گرایشات سیاسی (لیبرالی و ملی‌گرایانه) آنها تأثیرگذار بود، امری که بعدها با حضور بازگان در جایگاه نخست وزیری دولت موقت و مشی وی و اختلاف سیاسی با امام خمینی (ره) مشهود

گردید. این امر را می‌توان از جمله تأثیرات غیرمستقیم تحصیل در غرب و نمود دیپلماسی فرهنگی فرانسه در خصوص نخبگان ایرانی محسوب کرد.

یکی دیگر از نخبگان فکری تأثیرگذار بر حوزه سیاست و مذهب ایران در دوران پهلوی دوم و انقلاب اسلامی، علی شریعتی بود. وی در سال ۱۳۳۸ با اخذ بورس دولتی به فرانسه اعزام شد و در فرانسه به تحصیل تاریخ و جامعه‌شناسی اقدام نمود. فعالیت‌های فکری وی بیشتر از مطالعات جامعه‌شناسی و تاریخ منشأ گرفته بود. او تلاش کرد معرفت دینی و شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران را از این منظر تحلیل کند. شریعتی به عنوان یک روشنفکر دینی در پاسخ به مطالبات جوانان از دین، گفتمان «بازگشت به خویش» را مطرح کرد. وی با هدف بازسازی سنت، به طور هم‌زمان به نقد سنت و مدرنیسم پرداخت. شریعتی با الهام از مفاهیم اسلامی مانند امامت، وصایت، شورا، کفر، عرفان، توحید و عدالت تلاش کرد مفاهیم عصر مدرنیته مانند آزادی، روشنفکری، از خودبیگانگی، استعمار و امپریالیسم را با خوانشی دینی و مدرن بیان نماید. در این مسیر، وی از متفکران فرانسوی مانند ژان پل سارتر و نگاه‌های آرمان‌گرایانه برآمده از انقلاب فرانسه تأثیر پذیرفت. از این رو بود که وی توانست تصویری جذاب و مدرن از اسلام (و شخصیت‌های تاریخ اسلام) برای طبقه جوان و تحصیل‌کرده ارائه نماید (ترک‌لادانی و مرادی، ۱۳۹۴: ۳۱-۲۴). اقدامات وی ضمن جذب مخاطبان بیشتر، بر ایجاد اشتیاق در گرایش به اسلام، اجتماعی و درونی کردن اسلام در جامعه (دانشجویی و روشنفکری) ایران و نیز تبدیل اسلام شیعی به ایدئولوژی مبارزه انقلابی تأثیرگذار بود. البته شریعتی در این مسیر به دلیل عدم شناخت دقیق منابع دینی، دچار برخی اشتباهات فکری گردید.

به صورت کلی باید گفت اعزام افراد متعدد از جمله بازرگان و شریعتی به عنوان دانشجویان به غرب و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی آنها بر جامعه و فرهنگ و نیز کنش سیاسی و مذهبی در ایران، افزایش آگاهی سیاسی- اجتماعی آنها و ظهور طبقات روشنفکر، نمایان‌گر تأثیرات مختلف اعزام دانشجویان و پیامدهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن بر جامعه بود. این امر منجر به افزایش مطالبات سیاسی و اجتماعی افراد در جامعه شد و به تدریج زمینه‌ساز بسیاری از تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در ایران گردید.

ایجاد نهادهای قانونی و تغییر ساختارهای سیاسی در ایران

از جمله تأثیرات غیرمستقیم آشنایی بیشتر ایرانیان با غرب از طریق اعزام دانشجویان به اروپا و ایجاد مراکز علمی جدید مانند دارالفنون در ایران و نیز حضور تحصیل‌کردگان غرب در کشور،

ایجاد ساختار و نهادهای قانونی و قانون‌گذاری در ایران همانند فرانسه بود. ورود مفاهیم مدرن مانند قانون، قانون اساسی، تفکیک قوا، پارلمان و انتخابات از غرب به ایران، بر تدوین قوانین اساسی و شکل‌گیری و تغییر ساختارها و نهادهای قانونی در ایران نیز تأثیر گذاشت.

بعد از پیروزی نهضت مشروطیت، تدوین قانون اساسی برعهده عناصر روشنفکر درون حکومت و افرادی از قبیل سعدالدوله، مخبرالسلطنه و فرزندان مشیرالدوله گذاشته شد. آنها نیز با استفاده از قوانین اساسی فرانسه و بلژیک، قانون اساسی مشروطه را تدوین نمودند. یکی از این افراد روشنفکر لیبرال‌دموکرات، مستشارالدوله بود که درمان درد ایران و عقب‌ماندگی کشور را در یک کلمه یعنی «قانون» می‌دانست و به اصولی از قبیل مساوات در اجرای قانون، آزادی فردی، امنیت جان و مال، آزادی عقیده، آزادی اجتماعات، منع شکنجه و تفکیک قوا پرداخت که همگی برگرفته از قانون اساسی فرانسه و اعلامیه حقوق بشر بود (رهبری، ۱۳۸۶: ۶۳-۶۰).

ایرانیان با قانون اساسی مشروطه در سال ۱۲۸۵ ش. نهادهای حقوقی مدرن را قبول کردند و سپس با الهام از مجموعه قوانین کشورهای اروپایی - به‌ویژه فرانسه - قوانین مختلفی از قبیل آیین دادرسی کیفری و حقوق مدنی را تصویب نمودند و بدین ترتیب، ساختار دولتی و حکومتی ایران متأثر از قوانین مدرن شد. البته این حقوق مدرن از فرهنگ بیگانه به ایران ورود پیدا کرده است و مبانی نظری آن هم در اومانیزم^۱ و انسان‌مداری عصر رنسانس ریشه دارد و متکی بر عقلانیت ابزاری جدا از وحی است و از این رو است که به دلیل این مبانی، پس از ورود به ایران، در برابر شرایط اجتماعی و فرهنگی و مذهبی جامعه با چالش مواجه گردیده است.

نتیجه‌گیری

بررسی روند اعزام دانشجویان به خارج از کشور که از زمان عباس‌میرزا و در پی وقوف ایرانیان به عقب‌ماندگی‌های خود از جوامع متمدن غربی شروع شده بود، نشان می‌دهد که با توجه به تغییر شرایط سیاسی - اجتماعی و نیز سیاست خارجی حاکمان در دوره‌های مختلف تاریخی تاکنون، روند اعزام و چگونگی و میزان حضور دانشجویان ایرانی در کشورهای مختلف از جمله فرانسه و آلمان متفاوت بوده است. علی‌رغم اینکه در ابتدا فرانسه بیشتر پذیرای دانشجویان اعزامی از سوی ایران بود، به‌ویژه از دوران پهلوی دوم به بعد، آلمان بیش از فرانسه پذیرای دانشجویان بوده است. مهم‌ترین تأثیرات سیاست اعزام دانشجویان به آلمان و فرانسه ایجاد مدارس نوین، مراکز علمی جدید و دانشگاه، ورود صنایع جدید، احداث راه‌آهن، انتقال معماری غربی و

^۱. Humanism

شهرسازی مدرن، و ورود هنرهای جدید، ظهور روشنفکران طرفدار و منتقد وضع موجود، افزایش آگاهی سیاسی و اجتماعی، ورود مفاهیم مدرن، استقرار نهادهای مدرن، اصلاح در نظام اداری و قضایی کشور و تغییر در ساختارهای قانونی و سیاسی در ایران بوده است. حضور دانشجویان ایرانی در دو کشور فرانسه و آلمان و نیز حضور فرهنگی این کشورها در ایران، تأثیرات متعددی را در راستای اهداف دیپلماسی فرهنگی هر کدام از این کشورها از گسترش زبان تا افزایش نفوذ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آنها به همراه داشته است. نمود این امر، وجود طبقات روشنفکر یا نخبگان متمایل به غرب و در مقابل، نخبگان متمایل به شرق در ایران بوده است که هر یک از آنها در طراحی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور، در سطوح داخلی و خارجی اثرگذار بوده‌اند. از این رو، توجه به تاریخ ارتباطات فرهنگی و علمی بین کشورها جهت شناسایی اهداف آشکار و پنهان سیاست‌های فرهنگی ضرورت دارد و در عین حال، بهره‌گیری از تجارب کشورهای فعال در حوزه مبادلات علمی- دانشگاهی و طرح‌ریزی و اتخاذ سیاست‌هایی که منافع ملی کشور را در کوتاه‌مدت و درازمدت تأمین نماید، موضوعی مهم است.

منابع و مأخذ

فارسی:

- آبراهامیان، پرواند، ۱۳۸۴، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه: احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- ارجمند، امیر، ۱۳۸۳، «رویکردی کلان به نظام حقوقی ایران»، در: حمید هاشمی و اکبر عباس‌زاده، *ایران در قرن ۲۱: مجموعه مقالات همایش ایران در قرن ۲۱*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ازغندی، علیرضا، ۱۳۸۲، *علم سیاست در ایران*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- استادزاده، زهرا، ۱۳۸۴، «روابط علمی بین دانشگاه‌های داخل و خارج از کشور»، *فصلنامه رهیافت*، شماره ۳۵.
- اوحدی، پروین‌دخت و حاجی رجیعی، کاظم، ۱۳۹۴، «بسترسازی گفتمانی در سیاست فرهنگی پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۴۰ هجری شمسی)»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۵، شماره ۴.
- پرویزی، جمشید، ۱۳۹۲، «نقش آموزش‌های بین‌المللی در دیپلماسی عمومی؛ تجربه استرالیا»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و هفتم، شماره ۴.
- پیرا، فاطمه، ۱۳۷۹، *روابط سیاسی/اقتصادی ایران و آلمان بین دو جنگ جهانی*، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ترک‌لادانی، صفورا و منصوره مرادی، ۱۳۹۴، «روشنفکری فرانسوی و ایرانی بر اساس رویکرد سازه‌نگاری معرفتی؛ بررسی تطبیقی آرای ژان پل سارتر و علی شریعتی»، *فصلنامه سیاست*، سال دوم، شماره ۷.

- حاضری، علی محمد، ۱۳۷۲، *روند اعزام دانشجو در ایران*، تهران: انتشارات سمت.
- حکمت، علی اصغر، ۱۳۵۵، *سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی*، تهران: انتشارات وحید.
- دهشیری، محمدرضا، ۱۳۹۳، *دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ذاکرسالحي، غلامرضا و مائده صالحی نجف آبادی، ۱۳۹۱، «ارائه راهبردهایی برای جذب دانشجویان خارجی در ایران»، *فصلنامه انجمن آموزش علمی ایران*، سال چهارم، شماره ۳.
- رضائی نبی، سید مهدی و صالحی تبریزی، منا، ۱۳۹۱، «بررسی نفوذ معماری نئوکلاسیک اروپا در معماری معاصر ایران در پایگاه حکومتی تهران دوره ناصری»، *اولین همایش ملی اندیشه‌ها و فناوری‌های نو در معماری*، تبریز: انجمن مهندسان معمار تبریز.
- رهبری، مهدی، ۱۳۸۶، «متجددان ایران و تجدد در عصر مشروطه؛ بررسی ریشه‌های پیدایش جدال‌های فکری در ایران معاصر»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال هشتم، شماره ۳۲.
- زیاری، کرامت‌اله، ۱۳۸۲، «تحولات اجتماعی - فرهنگی ناشی از انقلاب صنعتی در توسعه فضایی تهران»، *مجله جغرافیا و توسعه*، دوره یکم، شماره ۱.
- سرمد، غلامعلی، ۱۳۷۲، *اعزام محصل به خارج از کشور (در دوره قاجاریه)*، تهران: چاپ و نشر بنیاد.
- سلطانیان، ابوطالب، ۱۳۹۱، «چگونگی نفوذ و گسترش زبان فرانسه در ایران با تکیه بر نقش مدارس (از آغاز دوره قاجار تا جنگ جهانی یکم)»، *فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی*، دوره ۴، شماره ۱.
- سلیمانی دهکردی، کریم و مهدی رفعتی پناه مهرآبادی، ۱۳۹۳، «مفهوم آزادی نزد روشنفکران ایرانی پیش از انقلاب مشروطه»، *فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی*، سال ششم، شماره ۲۲.
- صلواتی، بهرام، ۱۴۰۰، *سالنامه مهاجرتی ایران ۱۴۰۰*، تهران: دانش بنیان فناور.
- کاتوزیان، همایون، ۱۳۷۴، *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، تهران: نشر مرکز.
- کعبی، عباس، ۱۳۸۰، *قانون اساسی و ضمانت‌های اجرایی آن*، قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه.
- معمودی، اسفندیار، ۱۳۹۱ الف، *تاریخ علم در ایران*، جلد سوم، تهران: نشر مهاجر.
- ، ۱۳۹۱ ب، *تاریخ علم در ایران*، جلد چهارم، تهران: نشر مهاجر.
- معزی‌نیا، ویدا، ۱۳۸۵، «زندگی‌نامه مهندس بازرگان»، وبسایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، قابل دسترس در: <http://irdc.ir/fa/content/5536/default.aspx>
- مولوی وردنجانی، عیسی و حسین ارجینی، ۱۳۹۷، «مبانی فکری نهضت آزادی در حوزه دین و سیاست با تأکید بر اندیشه مهندس بازرگان»، *فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال هشتم، شماره ۲۷.
- میرزاحسینی، مرتضی، حسین سلطان‌زاد و فریبا البرزی، ۱۳۹۸، «نقش مهندسان آلمانی در معماری معاصر ایران (با تأکید بر دوره پهلوی اول بین سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰)»، *نشریه علمی باغ نظر*، دوه شانزدهم، شماره ۷۵.
- میری‌نژاد، سهیل، ۱۳۹۱، «رمانتیسیم در معماری معاصر ایران؛ با تأکید بر معماری دوره پهلوی دوم پس از سال ۱۳۲۲»، *نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، دوره ۱۸، شماره ۱.
- نعمتی، نورالدین و مظهر ادوای، ۱۳۹۲، «مدارس کلیمیان و نظام آموزش ملی در ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی*، دوره پنجم، شماره ۲.

لاتین:

- Axworthy, Michael, 2010, *A History of IRAN Empire of the Mind*, New York: Basic Books.
- Behnam, Jamshid, 2003, "Iranian Society, Modernity, and Globalization", in: Ramin Jahanbegloo, *IRAN between Tradition and Modernity*, New York, Lexington Books.
- Boroujerdi, Mehrzad, 2005, "Triumphs and travails of authoritarian modernisation in Iran", in: Stephanie Cronin, *The Making of Modern Iran: State and society under Riza Shah, 1921–1941*, New York: Routledge.
- Fry, Gerald W, 1984, "The Economic and Political Impact of Study Abroad," *Comparative Education Review*, Vol. 28, No. 2.
- Rajaei, Farhang, 2007, *Islamism and modernism: The Changing Discourse in Iran*, Austin: University of Texas Press.
- Ransom, David, 1975, "Ford Country: Building an Elite for Indonesia", in Steve Weissman, et al. (eds), *The Trojan Horse: A Radical Look at Foreign Aid*, Palo Alto, CA: Ramparts Press.
- UNESCO, 2016, Global Flow
- UNESCO, 2016, Global Flow of Tertiary-Level Students, *UNESCO*, available: <http://www.uis.unesco.org/Education/Pages/international-student-flow-viz.aspx>
- Wu, Harry and Shao, Bin, 2014, "Political and Economic Impacts on Chinese students' return", *Journal of International Business and Cultural Studies*, Volume 9.

